

مجموعه مقالات فیسبوک

« سید حسین موسوی »



۱۳۹۴ - ۲۰۱۵

فهرست:

مقاله شماره (۱) منشأ و علت شبهات	۴
مقاله شماره (۲) شبهات مطرح شده در باره دعوت بر حق یمانی (ع).....	۹
مقاله شماره (۳) سرچشمه اصلی شبهات	۱۰
مقاله شماره (۴) شبهاتی که مکذبین به رسول الله (ص) وارد کردند.....	۱۹
مقاله شماره (۵) تحریف علائم ظهور پیامبر ص توسط علمای یهود	۲۵
مقدمه شماره (۶) تحریف علائم ظهور حضرت مسیح(ع) توسط علمای یهود.....	۲۹
مقاله شماره (۷) تحریف علائم ظهور قائم آل محمد(ص).....	۳۸

صفحه فیسبوک سید حسین موسوی:

https://www.facebook.com/pg/Hamimhoo/posts/?ref=page_internal

سایت رسمی دعوت مبارک یمانی سید احمدالحسن(ع):

<http://almahdyoon.org>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الْأَئِمَّةِ وَالمُهَدِّينَ وَ سَلِّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا

مقاله شماره (۱) منشأ و علت شبهات

(**یظهر فی شبهه لیستین**)، فرمودند قائم ع در شبهه و بین شک و شبهات ظهور می کند!

-قال المفضل: یا مولای! فکیف بدؤ ظهور المهدي عليه السلام وإليه التسليم؟ -قال عليه السلام: یا

مفضل یظهر فی شبهه لیستین.^۱

-در بین شک و تردید مردمان و شبه ها ظهور می کند! یعنی چه؟ و چرا؟

-چرا بطور واضح و آشکار نمی آید که همه بفهمند و بشناسند او را، تا به او بپیوندند؟

-جوابش این است: لیستین!

وَكَذَلِكَ نَقُصِّلُ الْآيَاتِ وَلِتَسْتَبِينَ سَبِيلَ الْمُجْرِمِينَ (۵۵) سوره انعام

و این گونه، آیات [خود] را به روشنی بیان می کنیم(و فرستادگان خود را با دلائل و براهین مفصل می فرستیم) تا راه و رسم مجرمین (که در اثر تکبر، تسلیم فرستادگان ساده و به ظاهر ضعیف نمی شوند) روشن شود، (و سره از نا سره جدا شود).

حضرت امیر ع در نهج البلاغه خطبه قاصعه (خطبه ۱۹۲) میفرماید:

فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَخْتَبِرُ عِبَادَهُ الْمُسْتَكْبِرِينَ فِي أَنْفُسِهِمْ بِأَوْلِيَانِهِ الْمُسْتَضْعَفِينَ فِي أَعْيُنِهِمْ

یعنی با این فرستادگان به ظاهر ضعیف و مظلوم و مستضعف، سران و بزرگان متکبر و خود بزرگ بین هر قوم را به آزمایش می کشد،

چنانچه ابلیس طاووس و استاد ملائک را با آدم ساده ای که از گل آفریده بود به آزمایش کشاند و کبر و نخوت نهفته در درون آن ملعون را آشکار کرد!:

صد هزاران سال ابلیس لعین

بود ز ابدال و امیر المؤمنین

^۱ بحار الانوار ج ۵۳ ص ۳.

پنجه زد با آدم از نازی (تکبری) که داشت

گشت رسوا همچو سرگین وقت چاشت

سپس حضرت ادامه می دهد:

وَلَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَخْلُقَ آدَمَ مِنْ نُورٍ يَخْطَفُ الْبَصَارَ ضِيَاؤُهُ وَيَبْهَرُ الْعُقُولَ رَوَاؤُهُ وَطِيبَ يَأْخُذُ الْأَنْفَاسَ عَرْفُهُ لَفَعَلَ وَلَوْ فَعَلَ لَظَلَّتْ لَهُ الْأَعْنَاقُ خَاضِعَةً وَلَخَفَّتِ الْبُلُوى فِيهِ عَلَى الْمَلَائِكَةِ وَلَكِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَنْتَلِي خَلْقَهُ بَعْضُ مَا يَجْهَلُونَ أَصْلَهُ تَمَيِّزاً بِالْإِخْتِبَارِ لَهُمْ وَنَفِياً لِلِاسْتِكْبَارِ عَنْهُمْ وَإِبْعَاداً لِلْخِلَاءِ مِنْهُمْ.

خداوند اگر اراده میکرد، آدم علیه السلام را از نوری که چشمها را خیره کند، و زیبایش عقلها را مبهوت سازد، و عطر و پاکیزگی اش حس بویایی را تسخیر کند می آفرید، که اگر چنین می کرد، گردنها در برابر آدم فروتنی میکردند، و آزمایش فرشتگان برای سجده آدم علیه السلام آسان بود، اما خداوند مخلوقات خود را با اموری که آگاهی ندارند آزمایش میکند، تا بد و خوب تمیز داده شود (لیستین)، و تکبر و خودپسندی را از آنها بزدايد، و خود بزرگ بینی را از آنان دور کند.

و در ادامه خطبه می فرماید که اگر خداوند می خواست، انبیا را به جای اینکه ساده و مظلوم و مستضعف بفرستد، می توانست با چنان نور و عظمتی بفرستد که حتی ابلیس و لشگریانش هم بی اختیار در مقابل آنها به سجده بیافتند! اما دیگر در آنصورت آزمایشی در کار نبود و سره از ناسره جدا نمی شد! بله دیگر امتحانی نمی ماند و آزمایشی!

وَلَوْ أَرَادَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِأَنْبِيَائِهِ حَيْثُ بَعَثَهُمْ أَنْ يَفْتَحَ لَهُمْ كُنُوزَ الذَّهَبِ وَ مَعَادِنَ الْعِيقَانِ وَ مَغَارِسَ الْجَنَانِ وَ أَنْ يَخْشُرَ مَعَهُمْ طُيُورَ السَّمَاءِ وَ وَحُوشَ الْأَرْضِينَ لَفَعَلَ وَلَوْ فَعَلَ لَسَقَطَ الْبَلَاءُ وَ بَطَلَ الْجَزَاءُ!

اگر خدای سبحان اراده میفرمود، به هنگام بعثت پیامبران، درهای گنجها، و معدنهای جواهرات، و باغات سرسبز را به روی پیامبران میگشود، و پرندگان آسمان و حیوانات وحشی زمین را همراه آنان به حرکت در میآورد. اما اگر این کار را میکرد، آزمایش از میان میرفت، و پاداش و عذاب بی اثر میشد، و بشارتها و هشدارهای الهی بیفایده میبود، و بر مؤمنان اجر و پاداش امتحان شدگان واجب نمیشد.

بله در آنصورت ابوسفیان ها و ابولهب ها خیلی زودتر از بلالها و ابوذرها ایمان می آوردند و شریح قاضی ها و ابن زیادها و عمر ابن سعدها زودتر از حبیب ابن مظاهرها در رکاب حسین حاضر می شدند!

(توصیه می شود این خطبه بسیار مهم و روستگرانه نهج البلاغه با دقت مطالعه شود)

لذا است که رسولان و حجج الهی، ساده و مظلومانه می آمده و پیام را می رسانند و سپس می گویند:

"ما على الرسول الا البلاغ المبين!" ما کارمان را و رسالتمان را که رساندن پیام بود انجام دادیم و دیگر شما خود دانید!

قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَ مَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ.... (۲۹) سوره كهف

بگو: «حق از جانب پروردگارتان [آمده] است. پس هر کس می خواهد ایمان بیاورد و هر کس می خواهد تکذیب و انکار کند،

و صد البته که اکثریت تکذیب و استهزا می کردند و بهانه ها و اعتراضها و تمسخرها از جانب دل‌های مرده و سیاه شده، شروع می شد، و در خواست معجزاتی می کردند که بتواند فی البداهه همه شک و شبه ها را زائل کند و آنها را به یقین رساند!

اگر اندک آشنائی با قرآن داشته باشیم خواهیم دید که دقیقاً، گذشتگان، همین انتظار و توقع را از رسولان داشتند، و همیشه یکی از اعتراضهای اصلی بر رسولان همین بوده که چرا برای ما واضح و روشن نمی شود که شما واقعاً از طرف خدا آمده باشید؟ و ما به شدت مشکوک هستیم و شک داریم که شما مدعی صادق باشید و بیشتر احتمال می‌دهیم که کذاب باشید!

مثلاً چرا معجزات بزرگی نشان نمی دهید و یا فرشتگان در اطرافتان ظاهر نمی شوند تا ما با دیدن آنها یقین کنیم و مطمئن شویم که شما واقعاً فرستاده شده از طرف خدائید؟ و یا اصلاً چرا خود خداوند همراه شما در بین ما ظاهر نمی شود تا شما را به عنوان حجت و خلیفه و فرستاده خودش به ما معرفی کند و باینوسیله همه شک و شبهه های ما بر طرف شود؟

وَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ أَوْ نَرَى رَبَّنَا لَقَدْ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَ عَتَوْا عُتْوًا كَبِيرًا (۲۱) سوره فرقان

و کسانی که به لقای ما امید ندارند، گفتند: «چرا فرشتگان بر ما نازل نشدند یا پروردگارمان را نمی بینیم؟» قطعاً در مورد خود تکبر ورزیدند و سخت سرکشی کردند.

وَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْ لَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ (۱۱۸) سوره بقره

افراد نادان گفتند: «چرا (خود) خدا با ما سخن نمی گوید؟ یا برای ما معجزه ای نمی آید؟» (تا بدینوسیله شک ما بر طرف شود)) کسانی که پیش از اینان بودند [نیز] همین گفته‌ء ایشان را می گفتند. دل‌ها [و افکار] شان مثل هم بوده و به هم می ماند. ما نشانه‌ها [ی خود] را برای "گروهی که یقین دارند"، نیک روشن گردانیده ایم •

خلاصه با ناباوری تمام حرفهای رسولان را می شنیدند و یا حتی حاضر به شنیدن حرفهایشان نمی شدند (لو کنا نسمع او نعقل ما کنا من اصحاب السعیر!) و از اینکه یک نفر از بین خودشان و مثل خودشان آمده و ادعا می کند که رسول و فرستاده حق است و پیامی برای آنها دارد متعجب شده و او را متهم به جنون و یا عامل دست بیگانه بودن می کردند و در حقانیت ادعای آنها شک کرده و برای اثبات ادعای خود درخواست معجزه می کردند:

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَ عَادٍ وَ ثَمُودَ وَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَعْدِيَهُمْ فِي أَقْوَاهِهِمْ وَ قَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ وَ إِنَّا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ (سوره ابراهیم ۹۰)

آیا خبر کسانی که پیش از شما بودند: مثل "قوم نوح" و "قوم عاد" و "قوم ثمود"، و اقوام دیگری که بعد از ایشان بودند [و] کسی جز خدا از آنان آگاهی ندارد، به شما نرسیده است؟

(آنها نیز) فرستادگانشان (آمدند و) دلایل آشکار برایشان آوردند، ولی آنان دستهایشان را [نیرو و قوت خود را] بر دهانهایشان نهادند و (و با رسولان به مجادله پرداخته و) گفتند: «ما انکار و تکذیب می کنیم (ادعای شما را که می گوئید) رسول و فرستاده هستید، و نسبت به آنچه (ادعا) و دعوت می کنید سخت در شکیم.»

در نتیجه شروع می کردند به شبهه افکنی و با طرح سؤالات و اشکالات و شبهات متعدد و بهانه های بنی اسرائیلی، دعوت حقه آنها را بین مردم و پیروان خود زیر علامت سؤال برده و با غوغا سالاری مانع ایمان آوردن و پیوستن مردم به آنها می شدند:

وَ حِيلَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُرِيبٍ (سبا ۵۴)

و میان آنان و میان آنچه می خواستند (نابود کردن دعوت رسولان) حایلی قرار می گیرد؛ (رسولان پیروز شده آنها شکست می خورند) همان گونه که از دیرباز با امثال ایشان چنین رفت، زیرا آنها (نیز نسبت به فرستاده شدگان) به شدت گرفتار شک و تردید و دودلی بودند.

و با این شک و شبهه ها تکذیب رسولان و آزار و اذیت آنها شروع می شد:

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ (سوره بروج ۱۹)

بله کافران همیشه در حال تکذیب (رسولان) بوده اند؛

بدین ترتیب سنت خداوند این بوده که همیشه سادات و بزرگان قوم با تکذیب رسولان، خود و پیروان و مقلدین خود را اهل آتش می کردند، مقلدینی که کورکورانه از آنها پیروی می کردند.

اما آنگاه که این مقلدین و پیروان ببینند، همراه بزرگانشان راهی آتش جهنم هستند، بزرگان خود را لعنت خواهند کرد، اما آنموقع دیگر دیر شده است:

وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكِبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا ﴿٦٧﴾ رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَاهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا ﴿٦٨﴾ **سوره احزاب**

و (در حین ورود به جهنم) گفتند: «پروردگارا، ما از سادات و بزرگان خود (پیروی و از آنها) اطاعت کردیم و (در نتیجه آنها) ما را گمراه کرده از (پیروی فرستادگانت مانع شده و ما را از) راه راست منحرف کردند. پروردگارا، آنان را دو برابر (ما) عذاب ده و آنها را لعنت کن لعنت کردنی بزرگ.

بله این بوده راه و رسم و سنت امتهای گذشته، و رسول گرامی سوگند یاد کرد و امتش متواترا آنرا روایت کردند که امتهای گذشته هر کار کردند امت او نیز عینا "حذوالنعل بالنعل" تکرار خواهند کرد.

أَبِي بصير، عن أَبِي عبد الله عليه السلام أنه قال: لو خرج القائم لقد أنكره الناس...، فلا يلبث عليه إلا كل مؤمن أخذ الله ميثاقه في الذر الأول. غيبت طوسی ص ۴۲۰.

آنگاه که قائم ع برخیزد مردم او را انکار و تکذیب خواهند کرد، مگر مومنانی (اقلیتی که) از عالم ذر با خدا پیمان بسته اند.

و اینک که بعد از هزاران سال، وقت ظهور موعود ادیان، و تحقق وعده الهی فرا رسیده است، و اکثریت علائم داده شده محقق شده، و طبق پیشگوئیهها، مهیا کننده مقدمات ظهور، یعنی یمانی موعود آمده است، امت پیامبرص، اعم از شیعه و سنی، در حال تکذیب، و تکرار اعمال امتهای گذشته، و اجرای نمایشنامه تکراری اعمال و حرکات قبل از ظهور موعود ها هستند!

اینک شیطان با لشگریان جن و انسش، به شدت دست به کار شده تا با انواع ترفندها و شبهه افکنی ها، دقیقاً مثل همیشه تاریخ، مانع پیوستن انسانها به پرچمدار هدایت و دعوت کننده به سوی امام زمان، یعنی یمانی موعود و لشگر حق شوند، و سعی دارند که تا می توانند، حداکثر ممکن از انسانها را، با قرار دادن در مقابل داعی حق، جهنمی کنند.

اما در مقابل یمانی آل محمدص، پرچمدار هدایت و دعوت کننده به حق، که مثل اجداد طاهرینش معدن رحمت و شفقت می باشد، دستور داده تا انصارش، کوشش کنند با رفع شبهات و پاسخگوئی به شبهه افکنی ها، حتی الامکان نگذارند انسانها در این برهه حساس، طعمه شیطان شده و راهی جهنم شوند، و اگر می توانند، حتی شده یک نفر بیشتر را از دست ابلیس لعین نجات دهند.

این صفحه در این راستا و در پی این هدف مقدس گشوده شده است، باشد که بدینوسیله اندکی از وظائف خود در قبال دعوت حقه یمانی و قائم غریب و مظلوم آل محمدص را انجام داده باشیم، تا شاید با حول قوه الهی باین طریق حتی شده یک نفر از تور گسترده ابلیس در این زمان حساس نجات یابد.

لا قوه الا بالله و ما توفیقی الا بالله العلی العظیم.

مقاله شماره (۲) شبهات مطرح شده در باره دعوت بر حق یمانی (ع)

چنانچه در مقاله قبلی گفته شد، طبق احادیث، قائم ع در بحبوحه شبهه ها می آید، که این شبهه ها آزمایش الهی بوده و به مثابه فیلتر عمل می کنند و تنها آنهایی که قلب سلیم و عقل سلیم دارند می توانند از این شبهه ها رد شده و به او لبیک گویند. اما شدت مخالفتها و دشمنی ها از یک طرف و کثرت شبهات مطرح شده از طرف دیگر خیلی از افراد را مردد کرده و مانع پذیرش دعوت از جانب آنها می شود.

لذاست که بر ما لازم می آید در درجه اول به شبهات مطرح شده از طرف مردم، با دقت و حوصله و متانت گوش فرا دهیم، و این شبهات را دسته بندی کرده و آنها را بشناسیم، و در درجه بعدی جواب صحیح و قانع کننده آنها را از تقلین در آورده و آماده کنیم، چرا که از آنجائیکه دعوت یمانی صد در صد حق بوده و صد در صد منطبق با تقلین می باشد، جواب کامل و قانع کننده همه شبهات نیز در قرآن و احادیث موجود می باشد، تا بدینوسیله تلاش و حيله های شیطان و لشگریانش را عقیم کرده و کمک کنیم تا شنندگان صادق و سلیم القلب با جوابهای ثقلینی و روشنگرانه، به ایمان و اطمینان برسند.

ذیلاً تعدادی از شبهات مطرح در جامعه را می آوریم:

چه کسی گفته الان وقت ظهور است؟ کذب الوفا تون! یمانی دیگر کیست؟ مگر یمانی از عراق می آید؟ یمانی از یمن است! چه کسی گفت یمانی حجت خدا و معصوم می باشد؟ از کجا بدانیم او راست می گوید؟ از کجا بفهمیم او فرزند امام زمان است؟ مگر امام زمان فرزند دارد؟ وجود دوازه مهدی را از کجا آوردید؟ اوصیا منحصر در دوازده امام می باشند نه بیشتر! فقط چهار ده معصوم داریم نه بیشتر؟ یمانی امام زمان را ملاقات کرده؟ توقیع سمری ملاقات را نفی می کند! چرا وصی قبل از خودش آمده؟ الان کجاست چرا مخفی شده؟ چگونه او را ثابت می کنید؟ علماء او را قبول دارند؟ می گویند قرآن را اشتباه می خواند! باعث تفرقه بین شیعه شده! مگر شما سیزده امامی هستید؟ مگر استخاره و رؤیا حجت است؟ مگر پیامبر وصیت نوشت؟ سند وصیت صحیح است؟ مگر شما علم رجال را قبول ندارید؟ نظر علما در این باره چیست؟ می گویند او عامل خارجی هاست! شما ضد علما هستید؟ تقلید را قبول ندارید؟

در مقاله های بعدی به جواب این شبهات و شبهات مشابه پرداخته و مطالب ضروری دیگری نیز مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت، مطالبی از قبیل:

محل تولد، دعوت، و خروج یمانی موعود در احادیث؛ راه و روش تشخیص مدعی صادق از مدعی کذاب؛ قانون شناخت حجج و خلفای الهی؛ دوره دعوت یمانی؛ اخفای امر یمانی؛ معصوم بودن مهدیین؛ تقلید و فتوای به رأی؛ نقش علما در حین ظهور امام زمان عج؛ توقیع سمری و معنی آن؛ علم رجال و بدعت منهج رجالی؛ وصیت پیامبر ص اهمیت و اعتبار آن؛ صحت و اعتبار دوازده مهدی در احادیث؛ دو قائم و دو مهدی؛ آیا حجج الهی باید معجزه بیاورند؟؛ فصاحت و بلاغت و قرائت سید ع و قواعد عربی.

طبیعتا انصار عزیز و دیگر دوستان می توانند زیر این مقاله، مطالب، سؤالات و شبهات جدید دیگری را برای طرح و بررسی و پاسخگوئی مطرح و پیشنهاد کنند.

امید که این بحثها و مقالات، گام و لو کوچکی باشد در مسیر خنثی کردن نقشه های پلید شیطان و لشگریانش و تلاشهای مذبوحانه آنها بر علیه قائم آل محمدص، و زدودن شک و تردید از دل طالبان صادق حق و حقیقت، در این زمان بغایت حساس دمدمه های ظهور.

و ما توفیقی الا بالله العلی العظیم

مقاله شماره (۳) سرچشمه اصلی شبهات

بسم الله الرحمن الرحيم

بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهُتَدُونَ [زخرف: ۲۲]

در مقاله گذشته به برخی از علل شبهات اشاره شد، در این مقاله قصد بر این است که علت اصلی مخالفت با رسولان، و ایراد شبهات بر علیه آنان را مورد بررسی قرار دهیم.

۱- انسانها در جامعه با هم زندگی می کنند و از بچگی به آداب و رسوم جامعه خود عادت کرده و دل می بندند، واز جمله بزرگ ترین این آداب و رسوم، دین رسمی و آباء و اجدادی هر جامعه می باشد، که جزء تابوهای هر جامعه بوده و به هیچکس اجازه شک و تردید، و یا کوچکترین تغییر و دستکاری در آن داده نمی شود، و هر کس هم وارد این حوزه شود با عکس العمل شدید جامعه روبرو می شود.

دین که در شکل صحیحش رهنمودهای پروردگار عالم به بشر خاکی می باشد و توسط انبیاء و اوصیاء به بشر ارائه می گردد، بعد از فاصله گرفتن از سرچشمه اصلی خویش، کم کم و بمرور ایام و سالها، توسط انسانهای غیر مرتبط با وحی و آسمان، کم کم مورد تفسیر و در ادامه مورد تعبیر اشتباه و تغییر قرار می گیرد و رفته رفته، جز اسم و رسم و رسوم بی محتوی، و به تعبیر امیرالمؤمنین، جز پوستینی وارونه از آن باقی نمی ماند.

متصدیان رسمی و روحانیان ادیان نیز رفته رفته رسمیت یافته، و دم و دستگاه خاص خود را ایجاد می کنند، بنحوی که مثلاً حین ظهور حضرت مسیح ع، روحانیان یهودیت، یک دستگاه عریض و طویل و پر طمطراقی برای خود ایجاد کرده بودند، که اگر از آن به عنوان دستگاه سلطنت دینی تعبیر کنیم، پر بیراهه نرفته ایم.

با این وصف، رسولان وقتی می آمدند که، دین اصلی از محتوی خالی شده، تحریف شده و از آن جز رسم و رسومی بی محتوی باقی نمانده بود، و در مقابل، دستگاهی عریض و طویل و پرنفوذ و پرطمطراق، تحت عنوان روحانیون و متولیان آن دین ایجاد شده بود.

حال رسولان با مسئولیتی خطیر و در عین حال خطرناک، وارد صحنه جامعه شده و رسالت خطیر و عظیم خود را آغاز می کردند، یعنی باید همه آن تحریفات را کنار زده و محتوای اصلی دین الهی را بر گردانند!

یعنی دقیقاً انگشت روی آن نقطه حساس (دین و مذهب رسمی جامعه) گذاشته و قصد تغییرات اساسی در آن را داشته، و بلکه صریحاً اعلام می کردند که این دین تحریف شده، و به مرور زمان دچار تغییرات فراوان شده، و باید با دین تر و تازه و جدید الهی جایگزین شود.

طبیعتاً رسولان، مسئولیت این تحریفات را، متوجه روحانیون و علمای دین دانسته و انگشت اتهام را به سوی آنان نشانه می رفتند. و لذا طبیعتاً اولین گروهی که در این میدان صدای اعتراضشان بلند میشد، متولیان دین رسمی جامعه بودند، که رسول برانگیخته شده را خطری برای دین مستقر و رسمی تلقی کرده و موقعیت ممتاز اجتماعی خودشان را از جانب او در خطر می دیدند.

و چون نسبت به خودشان، و منافع گروهی خودشان احساس خطر و تهدید می کردند، فریاد وادیناه و واشریعتای آنها در مقابل رسولان بلند می شد، و فرستاده شده را فردی فریب خورده یا مجنون و روانی یا عامل نیروهای خارجی و خطرناک و عامل فتنه و بدعت و خطری برای دین (رسمی) اعلام می کردند، کاری که علمای یهود در قبال حضرت مسیح و سپس در مقابل حضرت رسول کردند.

با اعلام مخالفت علما و بزرگان دین، پیروان متدین و مقلد آنها نیز که به دین رسمی موجود عادت کرده و آنرا همان دین حقیقی خدا می پنداشتند، به فتوای بزرگان دین، به دشمنی سرسختانه با رسولان می پرداختند!

و اینچنین می شد که متدینین منتظر ظهور رسول موعود، به "الد الخصام" آنها تبدیل می شدند!

لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ... (۸۲) مائده

هر آینه دشمن ترین دشمنان نسبت به ایمان آوردگان را یهود خواهی یافت.

و این در حالی بود که یهود مهمترین گروه منتظران پیامبر ص بودند و اساسا به همین منظور از سرزمین مقدس مهاجرت کرده و به مدینه آمده بودند! و منتظر ظهورش بودند!

-اما چرا با موعود منتظرشان به دشمنی پرداختند؟

-چونکه علمایشان به آنها گفتند این "محمد" مصداق اون "محمّدی" که ما منتظرش هستیم نیست و او تنها یک کذاب است که قصد ایجاد انحراف در دین آبا و اجدادی ما را دارد! و عوام هم چشم و گوش بسته حرف آنها را پذیرفته و از آنها پیروی کرده و دشمن پیامبر موعود شدند!

۲- خداوند در قرآن کریم، بارها و در آیات مختلف، صریحا این واقعیت تلخ تاریخی را برای عبرت گرفتن و بیدار شدن ما انسانها، بیان داشته است، از جمله در آیه ای که در اول مقاله آورده شد:

بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ (۲۲) زخرف

بلکه (به رسول جدید) گفتند: «ما آباء (و اجداد و بزرگان) خود را بر این آیین یافتیم (این دین و آئین آبا و اجدادی ماست) و ما (هدایت را در) پی گیری از آنان (دانسته)، و خود را در راه هدایت و هدایت یافته می دانیم».

البته مشکل اصلی همه رسولان با مردم جامعه خودشان این بود که در مقابل تغییر دین تحریف شده مقاومت نشان می دادند و دین و پیام جدید را بدعت و گمراهی تلقی می کردند، و این همیشه و با همه رسولان تکرار شده و خواهد شد، چنانچه پیامبر اسلام ص نیز با شدیدترین مقاومتها و درگیریها و بگیر و ببند و بکشها روبرو شد لذا خداوند برای دلجوئی از رسولش آیه زیر را نازل کرد:

وَكَذَٰلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ (۲۳) زخرف

و اینچنین پیش از تو نیز ما هیچ پیامبری در هیچ امت و قریه ای نفرستادیم مگر آنکه مترفین آنها (بزرگان و صاحبان قدرت و مکت و موقعیت) گفتند: «ما آباء (و اجداد و گذشتگان) خود را بر این روش و دین و آئین یافته ایم و ما (آنها را قبول داشته و) به ایشان اقتدا (و تقلید) می کنیم (و حاضر به ترک تقلید در دین نیستیم و هیچ تغییری را نیز در آن نمی پذیریم)».

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أُولَئِكَ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ ﴿١٧٠﴾ بقره

-و چون به آنان گفته شود: «از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید (و الان از ثقلین پیروی کنید و بدعتهای غیر ثقلین را رها کنید)»؛ - می گویند: «نه!، بلکه از همان چیزی که پدران خود را بر آن یافته ایم، پیروی می کنیم». -آیا هر چند پدرانشان چیزی را درک نمی کرده و به راه صواب نمی رفته اند (و بدعت در دین وارد کرده اند، باز هم در خور پیروی هستند)؟

بله همیشه مشکل، و مانع اصلی پذیرش دعوت رسولان، عادت به دین آباء و اجدادی موجود، و دین مستقر و رسمی جامعه بوده، به عبارت دیگر، عدم پذیرش هرگونه تغییر در دین موجود و و مقاومت در مقابل تحریف زدائی از آن، از یکطرف، و به خطر افتادن منافع و اهواء انفس بزرگان و مترفین قوم از طرف دیگر، دلیل اصلی مخالفت با رسولان بود.

همیشه در حین آمدن رسولان، بزرگان اصرار می کردند، و پیروان می پذیرفتند، که فقط از دین رسمی مستقر در جامعه پیروی کنند و زیر بار هیچ تغییر و تصحیح و پیام جدیدی نروند، گرچه پیام جدید، کاملاً عاقلانه صحیح و منطقی باشد. در این رابطه خداوند در سوره قمر آیه سوم می فرماید:

وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أُمْرٍ مُسْتَقَرٌّ ﴿٣﴾ قمر

و (رسولان را) تکذیب کردند و هواهای نفسانی (و منافع خویش) را دنبال کردند، و از امر (و دین) مستقر (و جا افتاده در جامعه) پیروی کردند.

مشکل وقتی بزرگتر و لاینحل تر می شد که اکثراً رسولان، قبل از برانگیخته شدن و آغاز مأموریت خود، افرادی به ظاهر عادی و بلکه مظلوم و سر بزی و منزوی، و دور از جاه و مقام و موقعیت و شهرت متداول در جامعه بودند، و به همین دلیل، با تعجب و اعتراض متدینین و بزرگان جامعه قرار می گرفتند.

بزرگان جامعه اعتراض کرده و می گفتند اصلاً این شخص چه کاره است؟ و چه حقی دارد که در دین اظهار نظر کند! و به بزرگان عیب و ایراد بگیرد! و بخواهد در دین موجود رسمی تغییراتی ایجاد کند؟!!

وَ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَ قَالِ الْكَافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ ﴿٤﴾ سوره ص

و از اینکه هشداردهنده ای از خودشان (فردی عادی مثل خودشان!) برایشان آمده در تعجب کرده (و تکذیب کرده)، و منکران می گویند: «این، ساحری کذاب است!

چونکه می گفتند اگر هم تغییراتی لازم باشد، رجال بزرگ و عظیم دین باید اینکار را بکنند، و اگر هم بنا باشد نماینده ای از طرف خدا بیاید، باید از بین بزرگان و عظمای دین باشد و نه یک فرد گمنام و غیر معروف و حتی درس دین نخوانده:!

وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِّنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ (۳۱) زخرف

و گفتند: «چرا این قرآن بر رجل عظیمی (از رجال عظام) دو شهر (یعنی مکه و طائف) فرود نیامده است؟»

چنانچه امروز، میگویند اگر بنا باشد نائی یا پیامی از طرف امام زمان بیاید، باید به یکی از مراجع عظام نجف و قم بیاید! یعنی برای خدا و امام زمان تکلیف معین می کنند که رسول و فرستاده شان را باید از کجا و بین چه کسانی تعیین کند و گرنه قابل قبول نخواهد بود!

و خداوند جواب می داد که:

... -اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ... انعام ۱۲۴☆

خداوند خود می داند پیامش را توسط چه کسی بفرستد و کجا قرار دهد! (یعنی اینها لازم نیست برای خدا وند یا امام زمان تعیین تکلیف کنند!)

بنابر این می بینیم که رسولان افرادی ساده، عادی و مظلوم و مستضعف بودند، و وقتی هم مبعوث می شدند، اولین کاری که می کردند، تحریفات موجود در دین رسمی و مستقر جامعه بر ملا کرده و آن را غلط و تحریف شده معرفی می کردند، و با این کار منافع و موقعیت متولیان رسمی دین به خطر افتاده و با آنها درگیر می شدند. از طرف دیگر، صاحبان قدرت سیاسی جامعه امثال فرعون نیز قدرت و موقعیت خود را در معرض تهدید و خطر جدی دیده و با رسولان از در مخالفت در آمده و به اصطلاح با آنها و پیروانشان برخورد امنیتی می کردند! (که البته در عمل نیز با دعوت جدید پایه های حکومت و قدرتشان متزلزل گردیده و نهایتاً متلاشی می شدند!)

لذا هر دو قدرت سیاسی و دینی جامعه، احساس خطر کرده و آثر خطر را به صدا در آورده و مشترکا بر علیه رسولان وارد صحنه شده، و حتی رسولان و پیروان آنها را تهدید به قتل و زنجیر و زندان و شکنجه کرده و احيانا تهدیدهایشان را نیز عملی می کردند و امثال بلالها و یاسر و سمیه ها و یا ساحران ایمان آورده فرعون، را در معرض قتل و کشتار و شکنجه قرار می دادند.

به سه آیه زیر از قرآن کریم که از این موضوع صحبت می کند توجه کنیم:

۱ - وَ قَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفُسَادَ (۲۶) غافر

و فرعون گفت: «مرا بگذارید موسی را بکشم اوهم پروردگارش را (به کمک خودش) بخواند. (در دادگاه بعد از صدور حکم زندان، به بنده هم همین را گفتند! گفتند حالا احمدالحسن را صدا کن تا نجات دهد!) (فرعون گفت) من می ترسم او (که بدعتگزار است) دین شما را تغییر دهد یا در این سرزمین فساد کند».

۲ - قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۸) یس

آنها (به رسولان گفتند): «ما[حضور] شما (رسولان و انصارشان) را به شگون بد گرفته ایم (به شما مشکوکیم و از فعالیتهای شما احساس خطر می کنیم). اگر (از دعوت و فعالیتهایتان) دست برندارید، سنگسارتان می کنیم و قطعاً (دستگیر و زندانی شده و) شکنجه های دردناکی از ما به شما خواهد رسید».

۳ ... -كُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَ فَرِيقًا يَقْتُلُونَ (۷۰) مائده

هر بار رسولی چیزی بر خلاف دلخواهشان برایشان آورد، یا آنها را تکذیب کرده و یا آنها را می کشتند.

۳- اینکه که آخرالزمان و زمان ظهور موعود ملل فرا رسیده و فرستاده ای تحت عنوان یمانی از طرف امام زمان عج آمده (فرستاده ای که از پیش وعده داده شده و در احادیث آمده بود) آیا انتظار داریم عکس العمل مرسوم همه امم و ملل، اینبار تکرار نشود؟ و امری غیر آن پیش آید؟ و بزرگان قوم و پیروانشان از فرستاده با آغوش باز استقبال کرده و از مقام و موقعیت خود دست کشیده و بلا فاصله او را پذیرفته، و همه اموال جمع شده و پیروان دستبوس را تحویل او دهند و خود کناری روند؟

هیئات!

خداوند می فرماید:

اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَ مَكْرَ السَّيِّئِ وَ لَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا (فاطر ۴۳)

-پیامبر اکرم ص قسم خوردند که امتش، موبه مو و حذوالنعل بالنعل اعمال گذشتگان را تکرار خواهند کرد.
-امام صادق ع تأکید کردند که قائمشان در وقت قیام، با مصائب و مشکلاتی سخت تر و شدیدتر از مصائب و مشکلات رسول خدا ص مواجه خواهد شد:

-سمعت أبا عبد الله (عليه السلام) يقول: إن قائمنا إذا قام استقبل من جهل الناس أشد مما استقبله رسول الله (صلى الله عليه وآله) من جهال الجاهليّة - قلت: وكيف ذاك؟

-قال: إن رسول الله (صلى الله عليه وآله) أتى الناس وهم يعبدون الحجاره والصخور والعيدان والخشب المنحوتة، وإن قائمنا إذا قام أتى الناس وكلهم يتأول عليه كتاب الله يحتج عليه به.... غيبته نعماني ص ۳۰۷.

-بله امام صادق ع فرمود قائم ما در اثر جهل و نادانی مردم، با مشکلاتی سختتر از مشکلات رسول الله ص مواجه خواهد شد - !چرا؟ چون دشمنان رسول خدا مشرکینی بودند که بتهایی از سنگ و چوب می پرستیدند، اما دشمنان قائم ع علما و فقهایی خواهند بود که با آیات قرآن (و احادیث) به جنگش خواهند رفت!

-حال آیا با این توضیحات مشخص شد که چرا علما و فقها، و متدینین و مقلدین آنها، با قائم ع خواهند جنگید؟

-بله دقیقا به همان دلیل که پیشینیان جنگیدند: رفته رفته و ذره ذره به مرور زمان، دین خدا تغییر یافته و تحریف می شد، بطوری که حین آمدن رسولان، از دین خدا جز یک اسم و رسم پرطمطراق توخالی، همراه با سلطنت دینی روحانیان، چیزی نمی ماند، و رسولان، در همان ابتدای کارشان، بر علیه این دستگاه تحریف شده و پرطمطراق موضع می گرفتند (برای روشنتر شدن قضیه، آیات اول سوره یاسین را با دقت مطالعه فرمائید، یا فیلم یوسف پیامبر و همینطور مریم مقدس را ببینید).

-بله اهل بیت عصمت ع پیشاپیش به ما خبر دادند که حین ظهور قائم ع هم از اسلام جز اسمی و از قرآن جز رسمی باقی نخواهد ماند:

-وذلك: إذا لم يبق من الإسلام إلا اسمه ومن القرآن إلا رسمه، وغاب صاحب الأمر بإيضاح الغدر له في ذلك، لاشتمال الفتنة على القلوب حتى يكون أقرب الناس إليه أشدهم عداوة له... احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۳۸۲

-در حین آمدن صاحب امر از اسلام جز اسمی و از قرآن جز رسمی (و در حدیث دیگر جز درسی) نخواهد ماند چون همه دچار فتنه شده (و رو به جاه و مال و مقام و شهرت و حب دنیا خواهند آورد) طوری که در اثر غدر (توطئه برای کشتن) قائم ع مجبور به غیبت و مخفی شدن خواهد شد، و آنهایی که از همه به او نزدیکتر بودند (شیعه ای که همیشه سنگش را به سینه می زد و بی صبرانه انتظارش می کشید) شدیدترین عداوت را با او پیش خواهند گرفت (در حد توطئه برای کشتنش)

-و امام باقر ع فرمود:

"إن قائماً إذا قام دعا الناس إلى أمر جديد كما دعا إليه رسول الله (صلى الله عليه وآله)، وإن الإسلام بدأ غريباً وسيعود غريباً كما بدأ، فطوبى للغرباء". غيبیت نعمانی ص ۳۳۶.

چون قائم ما بیاید مردم را به امر جدیدی دعوت خواهد کرد (یعنی امری که با دین رسمی موجود خوانائی نداشته و چیزی جدید به نظر می آید) مثل رسول الله ص که امر جدیدی آورد! و در نتیجه همانطور که پیامبر در آغاز کار (طرد شد و) غریب و تنها بود، او هم (طرد شده و طرید و شریک و) غریب و تنها خواهد بود (و اقلیتی بسیار کم و غریبانه از او پیروی خواهد کرد) پس خوشا به حال آن (اقلیت) غریب و تنها!

-بله با آیات و احادیث به جنگش می روند و تکذیبش می کنند و دهها شبهه علیه اش ایجاد و مطرح می کنند، چونکه از اوااحساس خطر می کنند! او تحریفات موجود در دین رسمی را برملا کرده و نهایتاً هرچیزی که قبل از خودش (به اسم دین و غیر آن) بود، مثل رسول الله ص، منهدم خواهد کرد، و اسلام جدیدی خواهد آورد (اسلام اصلی و تحریف نشده را از نو مستقر خواهد کرد) و در این راه با کسی مجامله و مسامحه نخواهد کرد و به کسی هم رحم نخواهد کرد:

-يصنع كما صنع رسول الله (صلى الله عليه وآله)، يهدم ما كان قبله كما هدم رسول الله (صلى الله عليه وآله) أمر الجاهلية، ويستأنف الإسلام جديداً " غيبیت نعمانی ص ۳۳۶.

او مثل رسول الله، همه چیز قبل از خود را نابود و منهدم خواهد کرد، و اسلام جدیدی را مستقر خواهد کرد (یا اسلام حقیقی را مجدداً پیاده خواهد کرد)

-وقال (عليه السلام): إذا خرج يقوم بأمر جديد، وكتاب جديد، وسنة جديدة، وقضاء جديد، على العرب شديد، وليس شأنه إلا القتل، لا يستبقى أحداً.... غيبیت نعمانی ص ۲۶۳.

آنگاه که او بیاید، امری جدید، کتابی جدید، و سنتی جدید خواهد آورد، که قبولش برای عرب (متولیان دین و پیروانشان) شدید و سنگین خواهد بود، اما او به کسی از دشمنان و معاندین رحم نخواهد کرد و همه را از دم تیغ خواهد گذراند و یکیشان را زنده نخواهد گذاشت. از کتاب غیبیت نعمانی.

به این شکل طبیعی است که صاحبان قدرت و سلطنت دینی احساس خطر کرده و با او به جنگ و مبارزه بر خیزند و هزاران شک و شبهه علیه او منتشر کنند تا مانع پیوستن عوام کالانعام به او شوند!

علی القاعده با این آیات و احادیث، علت اصلی شک افکنی ها و شبهه پراکنی ها باید برای ما روشن شود.

-و طبعاً کسی که پیرو علما و فقهای آن زمان باشد با اینکه منتظر بود و کشته مرده قائم ع، به دستور بزرگان، او را کذاب و فتنه گر و بدعتگزار پنداشته و با او، به عنوان کذاب و بدعتگزار و فتنه گر، راه عداوت و دشمنی پیش گرفته و حتی وارد جنگ خواهد شود، و یا حداقل گیج شده و حقیقت را تشخیص نداده و از

او دوری کرده و از امرش خارج می شود. (مثل یهود که با حضرت مسیح و حضرت رسول ص وارد جنگ شدند گرچه گروه اصلی منتظران بودند)

-اما کسانی که در قید و بند دین نبوده و مقلد علمای زمان قائم ع نباشند، توجهی به شبهه افکنی آنها نکرده براحتی دعوتش را لبیک می گوید، مثل بلالها و ابوذرها که هیچ دینی نداشتند:

سمعت أبا عبد الله (عليه السلام) يقول: إذا خرج القائم (عليه السلام) خرج من هذا الأمر من كان يرى أنه من أهله ودخل فيه شبه عبدة الشمس والقمر. غيبت نعماني ص ۳۳۲.

امام صادق ع فرمود: آنگاه که قائم ع بر خیزد آنها که خود را اهل این امر می دانستند(شیعه بودند و منتظر)، از این امر خارج می شوند و افرادی شبیه ماه و خورشید پرست (افرادی که اهمیتی به دین نمی دادند و مقلد و پیرو فقها نبودند) وارد این امر و دعوت می شوند

-ويسير إلى الكوفة فيخرج منها ستة عشر ألفاً من البتريّة شاكين في السلاح، قراء القرآن، فقهاء في الدين.... معجم احاديث امام مهدي ج ۳ ص ۳۰۷

-مضمون حدیث این است که شانزده هزار نفر از قرآن خوانان و فقهای کوفه و نجف علیه قائم ع خروج می کنند!

-یعنی همان کار یهود در قبال حضرت مسیح و حضرت پیامبرص، از طرف شیعه و بزرگانش تکرار می شود! و دقیقاً به همان دلیل!

امید که با این توضیحات که مبتنی بر آیات و احادیث بود، علت و سرچشمه اصلی "شبهات" روشن شود و افراد عاقل و بالغ (به لحاظ فکری) و روشن ضمیر و بصیر، دنیا و آخرت خود را چشم و گوش بسته به علما و بزرگان خود نسپارند و خود تفکر و تعقل کنند و خود را از هلاکت در این دوران آخرالزمان نجات داده و ندای "هل من ناصر" یمانی آل محمدص را در این لحظات ظهور، لبیک گویند و از یاران قائم آل محمدص شوند! چنین باد!

مقاله شماره (۴) شبهاتی که مکذبین به رسول الله (ص) وارد کردند

باید توجه داشت که از آنجائیکه باطل هرگز تاب مقاومت در قبال حق را ندارد، و به فرموده خداوند ان الباطل کان ذھوقا، یعنی باطل ضعیف و شکننده می باشد، منکرین و تکذیب کنندگان رسولان، هرگز از راه عقل و منطق و استدلال، با رسولان وارد بحث و مناظره نمی شدند، مثلا هرگز نمی توانستند با عقل و منطق ثابت کنند که پرستیدن چوب و سنگ بهتر از پرستیدن الله واحد خالق زمین و آسمانهاست! یا هرگز نمی توانستند طی یک رودر روئی منطقی، پاسخ ایرادات و اشکالات بسیار عاقلانه و محکم و مستدل و منطقی و شکننده رسولان را بدهند! لذا همیشه از بحث و استدلال برابر و مناظره منطقی و رو در رو، فرار می کردند، زیرا که پیشاپیش نیک می دانستند که در این میدان شکست آنها حتمی است.

لذا راهی را که انتخاب می کردند این بود که از دور ایستاده و سنگ و کلوخ پرتاب کنند! سنگ و کلوخ شبهات و افتراء و تهمتها و اتهامات دروغ! تا شاید بدین وسیله اذهان عمومی را مغشوش و مشوش کنند تا به کلام منطقی رسولان گوش فرا ندهند!

و طبعاً وقتی می دیدند از این راه نیز نمی توانند پیشرفت پیام زلال رسولان را متوقف کنند، سلاح همیشگی خود را پیش می کشیدند: دستگیری و زندان و سرکوب! و از آنجائیکه ان الباطل کان ذھوقا، در این وادی نیز نهایتاً کاری پیش نبرده شکست خورده و نابود و مزمل می شدند و روانه زباله دان تاریخ و نهایتاً راهی جهنم می شدند!

مشرکین و مکذبین مکه نیز از اسلافشان استثنا نبوده و راه آنها را پی گرفته و این شیوه را با رسول الله (ص) در پیش گرفتند، (چنانچه امروز نیز ادامه دهندگان راه آنان همان راه و روشها را تکرار می کنند!) چرا که خیلی روشن و بدیهی بود که آنها هرگز توانائی پاسخگویی به ایرادات و اشکالات محکم و منطقی که رسول خدا ص بر دین تحریف شده و بتها و بزرگان آنها وارد می کرد را ندارند و نخواهند داشت، (چنانچه امروز نیز منکرین و مکذبین تا حالا نتوانسته اند پاسخ اشکالات محکم یمانی ع بدهند) و می دانستند و می دانند که چنان رودر روئی منطقی، نهایتاً حاصلی جز شکست فضاحت بار و رسوائی برای آنها نخواهد داشت، و همینطور می دانستند که هرگز یارائی و توانائی رد و پاسخگوئی به سوره های قران را (و امروز کتابهای سید یمانی را) ندارند!

لذا تنها راهی که برایشان باقی می ماند، غیر از آزار و اذیت و سرکوب، پخش و انتشار اتهامات بی اصل و اساس و ایجاد شبهات و ایرادات بی مایه و سبک، و زیر علامت سؤال بردن رسول خدا ص از طریق این شبهات بود! شاید که بدینوسیله مانع انتشار و گسترش سریع این دعوت پاک و مبارک شوند! اما زهی خیال باطل که نمی دانستند، و هنوز هم نمی دانند! که؛

چراغی که ایزد بر فروزد، هر آنکس پف کند ریش (و همینطور ریشه اش) بسوزد!

و در نتیجه رهسپار جهنم و زباله دانی تاریخ شدند و اسلام (و در پی آن امروز دعوت مبارک یمانی) از روز نخست تاکنون، فقط و فقط در حال گسترش بوده و هست و خواهد بود!

☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆

ذیلا تعدادی از شبهاتی را که مشرکین و منکران، بر رسالت پاک رسول خدا ص وارد می کردند می آوریم:

۱- می گفتند از کجا معلوم! و تو چگونه میتوانی ثابت کنی ای محمد! که آنکه با تو حرف زد جبرئیل بود؟ آیا مگر تو قبلا جبرئیل را دیده بودی؟ شاید در غار حرا یک جن به سراغ تو آمده و به دروغ خودش را جبرئیل معرفی کرده؟

حال فکر می کنید پیامبر اکرم چگونه باید به آنها ثابت می کرد که او جبرئیل بوده؟ و چگونه به آنها حالی کند که روح پاک و دل سیاه نشده در جا فرق بین دیو و فرشته را دریافته و آنها را باز می شناسد! اما آنها که روحشان را در اثر پیروی از امیال نفس تباه کرده و دلشان سختتر از سنگ شده بود، کجا می توانستند این دلیل را دریابند؟! خر کجا داند فرق بین گوهر و خرمهره را؟

چنانچه امثال همان منکران و مکذبین امروزه به انصار یمانی می گویند شما از کجا فهمیدید اونکه در رؤیای صادق دیدید خود پیامبر یا امام ها بودند؟ شاید جن و شیطان بوده! مگر شما پیامبر را قبلا دیده بودید؟

لذا مشرکین این شبهه را پخش و منتشر کردند که پیامبر جن زده و دیوانه شده است و مبادا کسی به حرف این دیوانه جن زده گوش کند!

و گوینده این مطلب، نه افراد عادی، بلکه آدمهای مهم و معتبر آنروز مکه بودند! مثل ابولهب عموی خود پیامبرص!

وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ (۶) حجر

و گفتند: «ای کسی که قرآن بر او نازل شده است، به یقین تو جن زده و دیوانه ای!»

قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ (۲۷) شعرا

گفت: «واقعا این پیامبری که به سوی شما فرستاده شده، قطعا جن زده و دیوانه است.»

حال تصور کنید با این شبهه و شایعه، مردم عادی چگونه جرأت می کنند به او اعتماد کرده، به او نزدیک شده و به حرفهایش گوش کنند! در حالی که شخص بزرگ و معتبری مثل عموی خودش گواهی می دهد که برادر زاده اش جن زده و دیوانه شده! حال تصور کنید غربت و تنهایی پیامبر را در طول سیزده سال دعوت در مکه!

۲- گفتند محمد از وقتی که جن زده شده شعر هم می گوید! و سپس شعرهایش را به اسم خدا زده می گوید خدا این شعرها را گفته! مردم حواستان باشد این شاعر مجنون و دیوانه، شما را فریب داده و منحرف نکند! و دین شما را خراب نکند!

أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ تَتَّبِعُ بِهِ رَيْبَ الْمُنُونِ (۳۰) سوره طور

و یا می گویند: «شاعری است که انتظار مرگش را می بریم [چون جن زده است بزودی می میرد از دستش راحت می شویم!].»

وَيَقُولُونَ إِنَّا لَنَرُكَوَا إِلَهَتِنَا لَشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ (۳۶) سوره صافات

و می گفتند: «آیا ما برای شاعری جن زده و دیوانه دست از خدایانمان برداریم؟ (مواظب باشید دین و خدایانتان را از شما نگیرد!).»

چنانچه امروز می گویند با حرف یک آدم ناشناخته ای دست از تقلید بزرگانمان برداریم؟ مواظب باشید منحرف نشوید و دیتون را از دستتان نگیرند!

بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلْ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوَّلُونَ (۵) سوره انبیاء

بلکه گفتند: «خوابهای آشفته ایست (که می بیند!)، بلکه (بافته های خودش را) به افترا به خدا نسب می دهد، بلکه او شاعر است. اگر راست می گوید او هم برای ما معجزه هائی مثل معجزات پیامبران پیشین نشان دهد.»

سبحان الله! شباهت شگفت انگیز، بین حرفای مکذبین امروز و مکذبین دیروز را می بینید! اگر راست می گوید معجزاتی مثل معجزات امامان قبلی نشان دهد! انگار از همدیگر یاد می گیرند!

كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ (۵۲) أَتَوَاصَوْا بِهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ (۵۳) سوره ذاریات

بدین سان بر کسانی هم که پیش از اینها بودند هیچ رسولی نیامد جز اینکه گفتند: «ساحر یا دیوانه است.» آیا همدیگر را به این [سخن] سفارش کرده بودند؟ (از همدیگر یاد گرفتند که اینقدر شبیه هم

حرف می زنند!) [نه!] بلکه آنان مردمی سرکش بودند(همه شان وجه مشترکشان تکبر و سرکشی در مقابل رسولان بود برای همین حرفهایشان شبیه هم و مشترک است!).

۳- با آمدن پیامبر و شروع تبلیغ رسالت و دعوتش، اختلافات شدیدی در مکه شروع شد! بین کسانی که دعوت او را پذیرفته لیبیک گفتند و کسانی که به شدت او را تکذیب کرده و جن زده اش خواندند! اولیها از افراد عادی جامعه و دومیها از بزرگان افراد معتبر جامعه آنروز مکه! حتی این اختلافات به درون خانه ها هم کشیده شد! بین پدر و پسر، زن و شوهر، خواهر و برادر و الی آخر.

نتیجه! نتیجه اینکه دومین اتهام و شبهه وارد شد: او چگونه پیامبری است که به جای ایجاد وحدت و رحمت و محبت! بین مردم مکه اختلاف انداخته و حتی در داخل خانواده ها آتش اختلاف و درگیری را بر افروخته؟ و این کارش نتیجه ای جز تضعیف قریش و اهل مکه نخواهد داشت! (باید توجه داشت که چنانچه در قرآن آمده، همیشه با آمدن رسولان، اختلافات و مخاصمات شدید در آن جامعه شروع می شد، که طی مقاله مستقلی به این موضوع خواهیم پرداخت)

پس محمد دشمن مردم مکه میباشد و کار و هدفی جز نفاق افکنی و ضربه زدن به قریش ندارد!
و مردم هم با چشم خود می دیدند که این اتهام درست می باشد و مردم مکه با آمدن او دچار تفرقه و دو دستگی شده اند!

۴- با ایراد شبهه و اتهام سوم زمینه برای طرح اتهام چهارم فراهم شد: شبهه افکنی در باره عامل خارجی بودن پیامبر! بله او دست نشانده و عامل امپراطوری ایران است برای ضربه زدن به قریش و عرب! (چنانچه امروز منکرین و مکذبین مثل اسلافشان می گویند او عامل غرب و صهیونیسم و وهابیه است و می خواهد با اختلاف افکنی و تفرقه به شیعه ضربه بزند! شدت شباهت را ملاحظه می کنید!)

مطرح کردند که اساسا این حرفها را ایرانیها به او یاد می دهند! و تحت آموزش ایرانیها قرار دارد!

**وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا إِفْكُ افْتَرَاهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَزُورًا ﴿٤﴾ وَقَالُوا
أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ اَكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْلَى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٥﴾ فرقان**

و کسانی که کفر ورزیدند، گفتند: «این [کتاب] جز دروغی که آن را برافته [چیزی] نیست، و قومی دیگر(ایرانیها) او را برای (نوشتن) آن یاری کرده اند.» و قطعاً[با چنین نسبتی] ظلم و بهتان به پیش آوردند. ☆ و گفتند: «افسانه های پیشینیان است که(از کتابهای ایرانیان) آنها را برای خود نوشته، و صبح و شام بر او املا می شود».

در جواب این شبهه و اتهام این آیه از قرآن نازل شد:

وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ
(۱۰۳) نحل

و نیک می دانیم که آنان می گویند: «جز این نیست که بشری به او می آموزد.» [نه چنین نیست، زیرا] زبان کسی که [این] نسبت را به او می دهند اعجمی (ایرانی) است در حالی که این [قرآن] به زبان عربی روشن است.

اگر مکذبین امروز، امروز با اسلافشان بودند، می گفتند خوب کاری ندارد یاد میگیرد و سپس به عربی ترجمه می کند! واقعا جایشان خالی آنروزها پیش اسلافشان! وجود ایرانیهائی مثل سلمان در کنار پیامبرص و توصیه های او مثلا در جنگ خندق، این شبهه را جدی تر می کرد! طوری که تا همین امروز نیز عده ای هنوز این شبهه را نشخوار می کنند!

۵- از آنجائیکه مطالب زیادی در قرآن، مشابه مطالب تورات و انجیل می باشد (و این امری طبیعی است چون از یک منبع و منشأ می آیند، منکرین گفتند و شبهه افکندند که این مطالب را یهودیها و مسیحی ها به او یاد داده اند! و مطالب کتابش را از تورات و انجیل برداشته است! در صورتی که اکثر مطالب قرآن جدید بوده و در کتب پیشین نیامده است.

-ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلِّمٌ مِّثْنُونَ (۱۴) سوره دخان

پس، از او روی برتافتند و گفتند: «تعلیم یافته ای دیوانه است».

این شبهه را حتی امروز نیز خیلی از منکرین رسالت رسول الله ص تکرار می کنند! چنانچه منکرین دعوت مبارک یمانی ع نیز همین رویه را پیش گرفته و می گویند بعضی از مطالب کتب ایشان، در کتابهای دیگر نیز یافت می شود، پس در نتیجه او این مطالب را از آنجاها برداشته است! این در حالی است که اکثر مطالب کتب ایشان جدید بوده و در هیچ کتابی یافت نمی شود!

۶- علمای یهود . علائم ساختگی و من در آوردی ساخته و به مردم یاد دادند و گفتند این علائم در محمد و آمدنش موجود نیست، مثل ظهور پر سر و صدا که در حین ظهورش همه جهان متوجه شده و درجا او را خواهند پذیرفت! در حالی که غریبانه و بی سر و صدا سیزده سال پیش در مکه ظهور کرده بود و سالها جز اهل مکه کسی چیزی در مورد آن نشنیده بود و چیزی درباره او نمی دانست! و گفتند هنوز خیلی مانده تا ظهور آن پیامبر موعود، بنابر این، عوام الناس پیرو و مقلد آن، قانع شده و پذیرفتند که پیامبر اسلام مدعی کاذب و تقلبی می باشد و دشمنی با او را شروع کردند!

۷- گفتند درست است که در تورات و انجیل گفته شده پیامبری به اسم محمد می آید، اما چگونه ثابت می کنید و از کجا معلوم این محمد شما همان محمد است؟ احتمالا انتظار داشتند که عکس ۴×۳ پیامبر یا DNA ایشان در تورات و انجیل باشد تا بتوان آنرا ثابت کرد! (چنانچه امروز نیز منکرین و مکذبین می گویند از کجا معلوم این احمد همان احمد است؟ هزاران احمد وجود دارد!)

و بنابر این جای تعجب نیست که منکرین و مکذبین دعوت مبارک یمانی نیز، دقیقا مثل اسلافشان، راه اتهام زنی و شبهه افکنی و غوغا سالاری و تهمت و افتراء را پیش بگیرند!

و البته و صد البته، مثل اسلافشان، بلکه هزار بار بدتر و فضاحتبارتر از اسلافشان، با ظهور مقدس شکست خواهند خورد و زمین برای همیشه از لوٹ وجود نحسشان پاک خواهد شد!

و لذا می بینیم این دعوت مبارک، علیرغم همه شبهه افکنی ها و حتی سرکوبیهای بعضا وحشیانه، هر روز بیشتر از پیش در حال گسترش بوده و هست و خواهد بود، و اینک در پنج قاره جهان حضور پر از شور و حال و نشاطش را اعلام کرده و به رخ جهانیان می کشد، و ان شاءالله بزودی یمانی آل محمدص با حول و قوه الهی و با شعار لا قوه الا بالله با قیام مبارکش، سفیانی را شکست داده و پرچم را به دست پدر بزرگوارش حجه ابن الحسن العسکری سپرده و حاکمیت جهانی حق را اعلام خواهد کرد.

مقاله شماره (۵) تحریف علائم ظهور پیامبر ص توسط علمای یهود

بسم الله الرحمن الرحيم

۱- فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ (۷۹) سوره بقره

پس وای بر کسانی که کتاب [مطالبی] را با دستهای خود می نویسند، سپس می گویند: «این (مطالب) از جانب خداست»، تا بدانوسیله بهای ناچیزی (ازمنافع مادی و دنیوی را) به دست آورند؛ پس وای بر ایشان از آنچه دستهایشان نوشته، و وای بر ایشان از آنچه [از این راه] به دست می آورند.

چنانچه ملاحظه می شود خداوند متعال در این آیه کسانی را سرزنش میکند که به دست خود مطالبی نوشته و به مردم می گویند این از طرف خداست! و در یک آیه سه بار کلمه "ویل" را برای آنها به کار می برد، و بار سوم می فرماید وای و ویل جهنم بر آنها و بر آن منافعی که از این راه (دین فروشی آنها) از نوع تحریف شده اش! کسب کرده و به دست می آورند!

حال سؤال این است: مقصود خداوند در این آیه چه کسانی هستند؟

و آن چیزی که نوشتند و یا می نویسند و به دروغ به خدا نسبت می دهند چیست؟

و منافع مادی که از این راه کسب کرده و به دست می آورند کدام است؟

برای یافتن جواب این سؤال ها نیاز به تفسیر آیه داریم، و صحیحترین تفسیر قرآن، پیش اهل بیت عصمت ع می باشد، لذا به تفسیر اهل بیت ع مراجعه می کنیم:

امام حسن عسکری ع در تفسیر این آیه ضمن حدیث طولانی و جالبی می فرمایند:

این آیه در باره علمای یهود نازل شده است، آنها برای ظهور پیامبر ص علائم و صفاتی از خود و تخیلات خود در آورده و ساخته، و به مردم بیچاره یهودی یاد دادند، (که در تورات نبود و واقعیت نداشت) و مردم فکر کردند که آنها، این علائم را از خدا و کتابش نقل می کنند و در نتیجه چشم و گوش بسته و بدون تحقیق آنرا قبول کردند!

و سپس وقتی پیامبر آمد، به مردم گفتند این صفات و علائم (ساختگی) که یاد گرفته اید، در او نیست و در نتیجه قطعاً او، آن پیامبر موعود نیست، و اصلاً و اساساً الان زمان ظهور او نیست! او پانصد سال دیگر ظهور خواهد کرد!

با این تفصیل مردم خود را قانع کردند که این محمد که ادعا می کند آن پیامبر موعود می باشد، دروغ می گوید و کذاب است! و باید جلوی او ایستاد!

سپس امام حسن عسکری ع در جواب این سؤال مقدر که علمای یهود چرا و با چه هدف و مقصدی این کار زشت و به غایت پلید را مرتکب شدند؟ می فرماید:

این کار را کردند تا مردم مستضعف (ضعیف العقل و عوام الناس مقلد خود) را فریب دهند تا:

۱- ریاست خود بر آنها را حفظ کنند،

۲- درآمدهای خود از مردم مقلد را (با گرویدن آنها به رسول خدا ص) از دست ندهند.

۳- خودشان نیز مجبور نشوند (با ایمان آوردن به رسول خدا) پشت سر او قرار گرفته و به او خدمت کنند! (و دستبوسی و مخدومیت مردم را از دست داده و تبدیل به خادم شوند!)

لذا خداوند فرمود وای بر آنها و بازهم وای بر آنها، و بدترین جایگاه جهنم جای آنها! از این علائم ساختگی که درست کردند (و بعید و دور نشان دادن ظهور!) و وای بر آن اموال و پولهای حرامی که از راه گمراه کردن مردم و ممانعت از ایمان آوردن آنها به رسول و فرستاده خدا، به دست می آورند! (متن این حدیث شریف را برای پرهیز از طولانی شدن مقاله در پاورقی (۱) مطالعه بفرمائید.^۲

باید توجه داشت که علمای ریاکار یهود، در زمان ظهور حضرت مسیح ع نیز همین شیوه پلید را در پیش گرفته و با تحریف علائم ظهور حضرت مسیح، نه تنها مانع ایمان آوردن و پیوستن مردم به او شدند، بلکه حتی منتظران مسیح را بر ضد او به عنوان کذاب، تحریک کرده، شورانده و شبیه اش را به بالای صلیب بردند! لذاست که در انجیل نیز مثل قرآن، حضرت مسیح این عالمان ریاکار را به شدت نکوهش کرده و به آنها وعده دوزخ می دهد:

^۲ پاورقی (۱) - متن عربی حدیث شریف از کتاب تفسیر امام حسن عسکری ع:

.....ثم قال الله عز وجل: " فويل للذين يكتبون الكتاب بأيديهم ثم يقولون هذا من عند الله ليشتروا به ثمنا قليلا " الآية. قال الإمام عليه السلام: قال الله عز وجل [هذا] لقوم من هؤلاء اليهود، كتبوا صفة زعموا أنها صفة النبي صلى الله عليه وآله وهو خلاف صفته، وقالوا للمستضعفين [منهم]: هذه صفة النبي المبعوث في آخر الزمان: إنه طويل، عظيم البدن والبطن، أصهب الشعر، ومحمد صلى الله عليه وآله بخلافه، وهو يجي بعد هذا الزمان بخمسائة سنة. وإنما أرادوا بذلك لتبقى لهم على ضعفائهم رياستهم، وتدوم لهم منهم إصابتهم ويكفوا أنفسهم مؤنة خدمة رسول الله صلى الله عليه وآله وأهل خاصته. فقال الله تعالى: (فويل لهم مما كتبت أيديهم) من هذه الصفات المخالفات لصفة محمد صلى الله عليه وآله وعلى عليه السلام، الشدة لهم من العذاب في أسوأ بقاع جهنم (وويل لهم) الشدة (لهم من) العذاب ثانية مضافة إلى الأولى (مما يكسبون) من الأموال التي يأخذونها إذا أثبتوا عوامهم على الكفر بمحمد رسول الله، ...

تفسیر امام حسن عسکری ص ۳۰۲

وای بر شما ای علما و فریسیان ریاکار،

شما از نعناع و شوید و زیره دهیک می‌دهید،

اما مهمترین احکام شریعت را که عدالت و رحمت و صداقت است، نادیده گرفته‌اید.....

ای راهنمایان کور که پشه را صافی می‌کنید و شتر را می‌بلعید.

وای بر شما ای ریاکاران، شما بیرون خود را پاک می‌کنید درحالی که درونتان از ظلم و ناپرهیزی پُر است

وای بر شما ای علما و فریسیان ریاکار، شما مثل مقبره‌های سفید شده‌ای هستید که ظاهری زیبا دارند،

اما داخل آنها پر از استخوانهای مردگان و انواع کثافات است!.....

ای ماران، ای افعی‌زادگان، شما چگونه از مجازات دوزخ می‌گریزید؟ انجیل متی باب ۲۳،

۲- خوب بدین ترتیب و با این حدیث شریف تفسیر آیه مذکور، برایمان روشن شد:

اینها علمای یهود در زمان ظهور پیامبرص بودند و علائمی ساختگی به مردم یاد دادند که در تورات وجود نداشت، ولی مردم فکر می‌کردند علائم از خدا و کتاب خدا به آنها گفته می‌شود، و همین کافی است که این جرم بزرگشان، در قرآن کریم، به عنوان نوشتن کتاب و نسبت دادن آن به خدا ذکر شود!

و هدف آنها از این کار حفظ و تداوم ریاست دینی بر مردم و به دست آوردن مال و اموال از این طریق بود، که طبیعتا در صورت ایمان مردم به رسول خدا ص، همه اینها را از دست داده و این منافع سرشار به خطر افتاده و آن را از دست می‌دادند! و خداوند این عمل زشت و پلید آنها را، که برای به دست آوردن منافع حقیر دنیوی و حفظ جاه و مقام و ریاست خود، مرتکب می‌شدند، به شدت تقبیح کرده، و آتش سوزان جهنم را به آنها وعده می‌دهد!

۳- حدیث بعدی که در این رابطه دانستن آن مهم می‌باشد، حدیث متواتری است که شیعه و سنی آنرا از رسول خدا ص نقل کرده اند:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: والذى نفسى بيده لتركبن سنن من كان قبلکم حذو النعل بالنعل، والقذة بالقذة، حتى لا تخطوون طريقهم.

رسول خدا(ص) فرمود: قسم به کسی که جانم به دست اوست سنتهای پیشینیان را عینا و قدم به قدم تکرار کرده و راه آنها را خواهید رفت!

پیامبر اکرم ص در موقعیتهای مختلف و با تعبیر متفاوت این مطلب را فرمودند و تأکید کردند، و حتی قسم خوردند که مسلمانان عینا اعمال یهود و نصارا را تکرار خواهند کرد، متن بقیه احادیث را برای طولانی نشدن مقاله در پاورقی (۲) آوردیم.^۳

و بالاتر دیدیم که یکی از بزرگترین و زشتترین اعمال یهود، تحریف علائم ظهور حضرت رسول ص بود، به طوری که خداوند متعال آنرا طی آیه ای که مورد بحث قرار گرفت، برای عبرت ما ذکر فرموده است.

حال سؤال این است: آیا امت اسلام علائم ظهور حضرت مهدی عج، را تحریف نکرده و نخواهد کرد؟ و اعمال یهود را تکرار نخواهد کرد؟ با توجه به تأکید و حتی قسم حضرت رسول ص، شکی نمی ماند که حتما اینکار باید اتفاق بیافتد! و حتما باید علمای امت با این کار و با همان انگیزه علمای یهود، مانع پیوستن مردم به قائم ع شوند، و گرنه استغفرالله، قسم حضرت رسول دروغ از آب در میاید و حاشاه صلی الله علیه واله و سلم!

۳ پاورقی (۲) - قال تعالى: ﴿لَتَرْكِبَنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ﴾

لقد تواترت الأخبار لتشرح الآية الكريمة مبينة ركوب هذه الأمة سنن من سبقها من الأمم السالفة عن رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم تسليما) انه قال: ﴿لتركبن سنن الذين من قبلكم حذو النعل بالنعل، والقذة بالقذة، حتى لو أن رجلا منهم دخل جحر ضب لدخلتموه فقل: يا رسول الله اليهود والنصارى، قال: فمن أرى﴾

عن أبي جعفر الباقر (عليه السلام) انه قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم تسليما): ﴿والذي نفسي بيده لتركبن سنن من كان قبلكم حذو النعل بالنعل، والقذة بالقذة، حتى لا تخطؤون طريقهم، ولا يخطئكم سنن بني إسرائيل﴾ وجاء عن الإمام الصادق (عليه السلام) في قوله تعالى: ﴿لَتَرْكِبَنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ﴾ قال: ﴿أى سير من كان قبلكم﴾. وعنه (عليه السلام) قال: ﴿لتركبن سنن من كان قبلكم من الأولين وأحوالهم﴾

و في كتاب الكافي ومن لا يحضره الفقيه واردة عن زرارة عن الإمام أبي جعفر (عليه السلام) في قوله تعالى: ﴿لَتَرْكِبَنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ﴾ قال: ﴿يا زرارة أولم تركب هذه الأمة كل ما كان في بني إسرائيل حذو النعل بالنعل والقذة بالقذة﴾

وروى الطبرانی في المعجم الكبير عن سهل بن سعد قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم تسليما): ﴿والذي نفسي بيده لتركبن سنن الذين من قبلكم حذو النعل بالنعل﴾

وروى المتقى الهندي في كنز العمال العديد من الأحاديث التي تؤكد جريان هذه الأمة على سنن السابقين ومن هذه الأحاديث قوله (صلى الله عليه وآله وسلم تسليما): ﴿أنتم أشبه الأمم ببني إسرائيل، لتركبن طريقهم حذو القذة بالقذة حتى لا يكون فيهم شيء إلا كان فيكم مثله﴾

بعد ما تقدم من البيان نقول: إن السنن التي جرت في الأمم السابقة وعلى وجه الخصوص اليهود والنصارى ستطبق في أمة الرسول الخاتم (صلى الله عليه وآله وسلم) وأنه أمر لا بد منه فهو مصداق قوله تعالى: ﴿لَتَرْكِبَنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ﴾ والذي جاءت الأخبار الشارحة له يصبح أمرا لا بد من قبوله إن الله تعالى قد بين لنا سنن السابقين إلا إننا أئينا إلا أن نتبع سبيل من سبقنا من الأمم وعليه لا بد أن تجرى علينا تبعات تلك السنن مصداقا لقول الرسول والأئمة (عليهم السلام)

در مقاله بعدی به تحریف علائم ظهور امام زمان خواهیم پرداخت و خواهیم دید که علمای ما هم عینا اعمال و رفتار علمای آنها را تکرار کرده و امروزه با شدت تمام دارند تکرار می کنند، وبنابر این: صدق رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم !

مقدمه شماره (۶) تحریف علائم ظهور حضرت مسیح(ع) توسط علمای یهود

بسم الله الرحمن الرحيم

در مقاله قبلی به تحریف علائم ظهور حضرت رسول(ص) توسط علمای یهود پرداختیم، و قول دادیم که در مقاله بعدی به تحریف علائم ظهور امام زمان عج بپردازیم، اما از آنجائیکه تحریف ظهور حضرت مسیح توسط علمای یهود نیز شباهت شگفت انگیزی به تحریف علائم ظهور امام زمان(عج) دارد، تصمیم گرفتیم که در این مقاله به این مقوله پرداخته و در مقاله بعدی به تحریف علائم ظهور امام زمان(عج) بپردازیم.

علمای یهود در زمان ظهور حضرت مسیح ع، نیز با تفاسیر من درآوردی و خودسرانه از تورات و کتب انبیاء، دست به تغییر و تحریف ظهور آنحضرت زده بودند، و اینگونه بود که با اطلاعات غلط خود، توده مؤمن یهود را منحرف کرده و مانع ایمان آوردن آنها به مسیح موعود شدند.

-حال ببینیم آیا علمای یهود، مردم را چگونه منحرف کردند!

۱- آنها به مردم گفته بودند که حضرت مسیح، با شکوه و عظمت خاص، و معجزات شگفت انگیزی ظهور خواهد کرد، طوری که همگان ظهور او را فهمیده و او را خواهند پذیرفت!

اما چنین صفات و مشخصاتی، نه تنها در تورات هر گز نیامده بود، بلکه بر عکس، گفته شده بود که او غریبانه ظهور کرده و سوار بر کره الاغی ساده وارد بیت المقدس خواهد شد، و از طرف بزرگان طرد شده و به شدت مورد ظلم و ستم قرار خواهد گرفت!

اما آنها با درک ناقص و برداشتهای غلط خود از متون مقدس، چنین تصویر و تصور غلطی را بین مردم ایجاد کرده و رواج داده بودند، بله در کتب مقدس، به اهمیت و شگرفی ظهور او اشاره شده بود، اما منظور خداوند عظمت معنوی او و اهمیت ظهورش در آسمانها بود و نه در ظاهر! (چنانچه حضرت رسول(ص) به عظمت معنوی امیرالمؤمنین اشاره کرده و فرمود علی در آسمانها شناخته شده تر از او در زمین است! و این شکوه و عظمت معنوی، مانع از غربت و تنهایی و مظلومیت علی در زمین نشد!)

لذا وقتی که حضرت عیسی(ع)؛ [که تا سی سالگی بطور ناشناس در شهر ناصریه از استان جلیل می زیست] خودش را بسادگی، به عنوان مسیح موعود معرفی کرد، با توجه به علائم و تصورات غلطی که همه، از نحوه ظهور پر شکوه و عظمت مسیح داشتند، ابتدا با تعجب و پوزخند و تمسخر، به او نگریستند، و در ادامه در اثر اصرار و پافشاری او بر ادعای مسیح موعود بودن خود، حکم کفر و ارتداد و در نتیجه قتلش، به عنوان مدعی کذاب و فتنه گر، صادر شد!

این ماجرا را در انجیل لوقا اینچنین آمده است:

به این ترتیب (عیسی مسیح) به شهر ناصره، جایی که در آن بزرگ شده بود، آمد، و در روز سبت، طبق معمول به کنیسه رفت و برای قرائت کلام خدا برخاست.

طومار اشعیاى نبی را به او دادند.

طومار را باز کرد و آن قسمتی را یافت که می‌فرماید:

«روح خداوند بر من است، او مرا مسح کرده است تا به بینوایان مژده دهم. مرا فرستاده است تا آزادی اسیران و بینایی کوران و رهایی ستمدیدگان را اعلام کنم و سال فرخنده خداوند را اعلام نمایم».

طومار را پیچید و به سرپرست کنیسه داد و نشست.

در کنیسه تمام چشم‌ها به او دوخته شده بود!

او شروع به صحبت کرد و به ایشان گفت:

«امروز هنگامی که گوش می‌دادید، این نوشته و وعده محقق شد»

همه حاضران ...، تعجب نمودند!

آنها گفتند: «مگر این مرد پسر یوسف نیست»؟

عیسی گفت: «بدون شک در مورد من این ضرب‌المثل را خواهید گفت که اگر طیبی خود را شفا بده.....»

عیسی ادامه داد و گفت: «در واقع هیچ نبی در شهر خود پذیرفته نمی‌شود.....»

با شنیدن این سخن همه حاضران در کنیسه غضبناک شدند.

آنها برخاستند و او را از شهر بیرون کردند و به لب تپه‌ای که شهر بر روی آن بنا شده بود بردند تا او را به پایین بیندازند. اما او از میان آنان گذشت و رفت . انجیل لوقا باب ۴

بله مسیح موعود به این سادگی ظهور کرد، و به همین سادگی نیز ظهور خودش را اعلام کرد!

اما طبعاً این ظهور ساده با آن ظهور پرطمطراق گفته شده توسط علمای یهود زمین تا آسمان فرق داشت! و در نتیجه مؤمنین یهود، که مشتاقانه در انتظار شگفت انگیز حضرت مسیح روزشماری می کردند، غیر ممکن بود که چنین کسی را به عنوان مصداق مسیح موعود ذهنی خود قبول کرده و او را بپذیرند!

۲- بر خلاف آنچه که در کتب مقدس آمده بود، به مردم گفته شده بود و تصور آنها این بود که وقتی حضرت مسیح ظهور کرد، اولین گروهی که او را شناخته و به ایمان آورده و او را به مردم معرفی خواهند کرد، علمای طراز اول یهود هستند!

بنابر این مردم فکر می کردند که آنحضرت آمده و علمای یهود را مورد تفقد خویش قرار داده و مورد استقبال آنها قرار خواهد گرفت، در حالی که در کتب مقدس آمده بود که علما و بزرگان او را رد خواهند کرد! اما او، برخلاف انتظار و تصور عامه مردم، همان اول کار، بدعتهای بوجود آمده را افشا کرده و علمای طراز اول یهود را آماج انتقادات تند و تیز و بیرحمانه خود قرار داده و می گفت:

وای بر شما ای علما و فریسیان ریاکار....

شما مهمترین احکام شریعت را که عدالت و رحمت و صداقت است، نادیده گرفته‌اید....

ای راهنمایان کور که پشه را صافی می‌کنید اما شتر را می‌بلعید!

وای بر شما ای ریاکاران، شما بیرون خود را پاک می‌کنید درحالی که درونتان از ظلم و ناپرهیزی پُر است

...شما مثل مقبره‌های سفید شده‌ای هستید که ظاهری زیبا دارند، اما داخل آنها پر از استخوانهای

مردگان و انواع کثافات است...!

ای ماران، ای افعی‌زادگان، شما چگونه از مجازات دوزخ می‌گریزید؟ انجیل متی باب ۲۳

و علمای یهود که شهرت و آبرو و مقام و موقعیت خود را، با مشاهده این انتقادات بیرحمانه، در خطر جدی می دیدند، به شدت خشمگین شده و کینه‌ء او را به دل گرفتند! چرا که آنها خدا را فراموش کرده و خود را نماینده خدا و بلکه خود خدا پنداشته و به این جاه و جلال و احترامات فائقه عادت کرده بودند! و از همه جز

دستبوسی و اطاعت محض انتظار دیگری نداشتند! و ایرادات و انتقادات حضرت مسیح، برای آنها غیر قابل قبول و غیر قابل تحمل بود!

و در نتیجه، حضرت عیسی را به چشم منحرفی بدعتگزار و فتنه گری کذاب و دشمنی خطرناک تلقی کرده، و مؤمنین را تشویق به مبارزه با او کرده و خود نیز به مبارزه و مخالفت با او پرداختند! اینچنین بود که شبهه افکنیها و بهانه جوئی ها شروع شد، و سیل تهمت ها و افتراها بر علیه او توسط مؤمنین و قربه الی الله! به راه افتاد! اما حضرت مسیح بی مهابا و بدون مجامله، به مبارزه با بدعتهای آنها پرداخته و هر روز بیشتر خشم آنها را بر می انگيخت:

آنگاه عیسی به داخل معبد بزرگ رفت و همه کسانی را که در صحن معبد بزرگ به خرید و فروش اشتغال داشتند، بیرون راند...و به آنان گفت: «کتاب مقدس می فرماید: 'معبد بزرگ من نمازخانه خوانده خواهد شد، اما شما آن را کمینگاه دزدان ساخته اید(کاهنایی که از معبد خدا دکان ساخته بودند!)». و با این سخنان تند او خشم کاهنان معبد و دکانداران دین یهود بر علیه او بیشتر و بیشتر می شد! سران کاهنان و علما و فریسیان، وقتی این عجایب عیسی را دیدند خشمگین شدند . انجیل متی باب ۲

حضرت امام صادق(ع) این جنگ و دشمنی کاهنان با او را اینچنین بیان می فرمایند:

...ان عیسی علیه السلام حدث قومه بحديث فلم يحتملوه عنه فخرجوا عليه...، وهو قول الله عز وجل " فأمّنت طائفة من بنی اسرائیل وکفرت طائفة فأیدنا الذین آمنوا علی عدوهم فأصبحوا ظاهرين "
بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۷۵.

-یعنی همانا عیسی ع سخنی گفت با قوم خود که آنها آن سخنان را تحمل نکرده و علیه او خروج کردند...

۳- سومین نمونه از تحریفات این بود که گفته بودند وقتی مسیح موعود ظهور کرد، پادشاه قوم یهود خواهد شد. و معجزه آسا همه دشمنان یهود را (از جمله رم که سرزمین مقدس را اشغال کرده را) از بین خواهد برد.

چرا که در کتاب اشعیای نبی در پیشگوئی ظهور او آمده است که:

او مرا مسح کرده است تا به بینوایان مژده دهم. مرا فرستاده است تا آزادی اسیران و بینایی کوران و رهایی ستمدیدگان را اعلام کنم و سال فرخنده خداوند را اعلام نمایم.

اما در حقیقت منظور خداوند، پادشاهی معنوی و نجات و رهایی معنوی قوم یهود بود از چنگ گمراهیها و بدعتهای کاهنان! و نه پیروزی کاهنان بر روم! چنانچه در قرآن کریم نیز از نبوت آل ابراهیم به عنوان ملک

عظیم یا پادشاهی عظیم یاد شده، و از نجات از ضلالت و گمراهی و کوری و کوری باطنی سخن رفته، اما علمای یهود با برداشت غلط خود گفته بودند که او پادشاه دنیوی یهود خواهد بود!

لذا وقتی حضرت عیسی با آن فقر و سادگی ظاهری آمد و گفت من همان مسیح موعود شما هستم، علما و بزرگان یهود او را مورد استهزاء و تمسخر قرار داده و گفتند تو با این سر و وضع پادشاه یهودی؟! تا جائی که سربازان روم نیز در حین به صلیب کشیدن شبیه عیسی، برای استهزای او، تاجی از خار بر سر او نهاده و گفتند این است پادشاه یهود!

۴- یکی دیگر از مسائلی که علمای یهود آنرا مستمسکی بر ضد حضرت مسیح ع قرار داده بودند و از آن برای تحریک پیروان چشم و گوش بسته خود، به شدت سوء استفاده می کردند، محل و مکان ظهور حضرت مسیح بود!

چرا که طبق پیشگوئی های موجود در کتب مقدس، مسیح موعود باید از بیت اللحم می آمد:

-در کتاب نبی چنین آمده است: 'ای بیت لحم در سرزمین یهودیه، تو به هیچ وجه از سایر فرمانروایان یهودا کمتر نیستی، زیرا از تو پیشوایی ظهور خواهد کرد (که پادشاه یهود خواهد بود و) قوم من اسرائیل را رهبری خواهد نمود.' (انجیل متی باب ۲)

اما حضرت عیسی، در شهر ناصره از استان جلیل، بزرگ شده بود و آنجا زندگی می کرد و به "عیسای ناصری" مشهور بود! و همین کافی بود که علمای خشمگین یهود، آن را به عنوان دلیلی محکم و قاطع برای اثبات کذاب بودن او به کار برند!

-همین که عیسی وارد اورشلیم شد تمام مردم شهر به هیجان آمدند و عده ای می پرسیدند: «این شخص کیست؟»

جمعیت پاسخ می دادند: «این عیسای پیامبر است که از ناصره جلیل آمده است».

لذا مؤمنین مقلد فقه های یهود قصد جان او کردند! و حضرت مسیح پرسید:

از چهره کمر به قتل من بسته اید؟»

مردم پاسخ دادند: «تو جن زده ای....! عده ای گفتند: «او مسیح است».

اما گروهی دیگر گفتند: «مگر مسیح از جلیل ظهور می کند؟ آیا کتاب نگفته است که مسیح از بیت اللحم، ظهور خواهد کرد؟»... تحقیق کنید و ببینید که هیچ پیامبری از جلیل برنخاسته است». انجیل متی باب ۲

اما منظور پیشگوئیها این بود که اصل او از بیت اللحم خواهد بود، چنانچه او نیز در همانجا متولد شده بود، اما برای نجاتش از دست رومیها، که به دنبال کشف و کشتنش بودند، از بیت اللحم خارج شده و به طور ناشناس در شهر ناصره میزیستند!

لذا علمای یهود فریاد بر آورده و به پیروانشان می گفتند که:

-ایمانتان را از دست ندهید و فریب نخورید! جان ما فدای مسیح واقعی! اما این کجا و مسیح موعود کجا؟ او نه پادشاه است! و نه از بیت لحم! او بیسودی درس نخوانده و متوهمی است از اهل ناصره، که قصد فریب مردم را دارد!

آری او را متهم به بیسودی نیز می کردند، چرا که پیش علمای یهود درس نخوانده بود!

...عیسی به صحن معبد آمد و به تعلیم دادن آغاز کرد!

یهودیان در شگفت شده، می پرسیدند: «این مرد که علم دین نیاموخته! چگونه می تواند از چنین دانشی سخن گوید!..»

عیسی در جواب ایشان گفت: «تعالیم من از خودم نیست، بلکه از اوست که مرا فرستاده است...»!

و علمای یهود و شاگردانشان با او به بحث و جدل می پرداختند! انجیل یوحنا باب ۷

۵- علمای یهود به مردم تعلیم داده بودند که فقط افراد به شدت پاک و مقدس، به همراه علما به او ایمان آورده و به کمکش خواهند شتافت! در حالی که در کتب مقدس آمده بود که گناهکاران و گمراهان به او گرویده و نجات خواهند یافت (چنانچه در قرآن نیز آمده که: یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم.... و ان کانوا من قبل "لفی ضلال مبین")

لذا انسانهای عادی و ساده دل اما گمراه، بدون توجه به سخنان بزرگان یهود، به او ایمان می آوردند، و بزرگان و علما فریاد بر می آوردند که این چه پیامبری است که با گناهکاران و گمراهان همراه است و با علما و بزرگان دین دشمن؟!!

از انجیل لوقا بخوانیم:

-در این هنگام باجگیران و خطاکاران ازدحام کرده بودند تا به سخنان او گوش دهند. فریسیان و علما غرولندکنان گفتند: «این مرد اشخاص بی سروپا را با خوشرویی می پذیرد و با آنان غذا می خورد».

به این جهت عیسی مَثَلی آورد و گفت: «فرض کنید یکی از شما صد گوسفند داشته باشد و یکی از آنها را گم کند، آیا نود و نه تای دیگر را در چراگاه نمی‌گذارد و به دنبال آن گمشده نمی‌رود تا آن را پیدا کند؟ و وقتی آن را پیدا کرد با خوشحالی آن را به دوش می‌گیرد و به خانه می‌رود و همه دوستان و همسایگان را جمع می‌کند و می‌گوید: 'با من شادی کنید، گوسفند گمشده خود را پیدا کرده‌ام'.

بدانید که به همان طریق برای یک گناهکار که توبه می‌کند در آسمان بیشتر شادی و سرور خواهد بود، تا برای نود و نه شخص پرهیزکار که نیازی به توبه ندارند. انجیل لوقا: باب ۵۱

بیشتر این افراد ساده دل، با دیدن رؤیا و یا دریافت بشارت در بیداری، پیام و بشارت ظهور او را از ملکوت می‌گرفتند و به او ایمان می‌آوردند:

در همان اطراف در میان مزارع، چوپانانی بودند که در هنگام شب از گله خود نگهبانی می‌کردند. شب فرشته خداوند در برابر ایشان ایستاد و شکوه و جلال خداوند در اطرافشان درخشید و ایشان سخت وحشت کردند. اما فرشته گفت: «نترسید، من برای شما مژده‌ای دارم: شادی بزرگی شامل حال تمامی این قوم خواهد شد. امروز... نجات‌دهنده‌ای برای شما به دنیا آمده است که مسیح خداوند است. (انجیل لوقا باب ۲)

چنانچه در قرآن نیز خداوند می‌فرماید ما به حواریون وحی کردیم که به فرستاده من ایمان آورید!

وَإِذْ أُوحِيَ إِلَى الْخَوَارِجِينَ أَنْ آمِنُوا بِى وَبِرَسُولِى قَالُوا آمَنَّا وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ (۱۱۱) سوره مائده.

[یاد کن] هنگامی را که به حواریون (مسیح) وحی کردم که به من و فرستاده ام ایمان آورید. گفتند: «ایمان آوردیم، و گواه باش که ما مسلمیم (تسلیم و منقاد رسولت هستیم).»

اما خداوند چگونه به حواریون مسیح، که قبل از ایمان آوردن به او، ماهیگیر و باجگیر و گمراه و خطاکار بودند، وحی کرد؟

بله همچنان که در انجیل آمده و در روایات نیز، با رؤیا و مکاشفه ایمان آوردند! و خداوند رؤیا را وحی می‌نامد، چنانچه پیامبر اکرم (ص) نیز فرمود: رؤیای صادقه شعبه‌ای از هفتاد شعبه پیامبری است، یعنی خداوند به بعضی از بندگان در رؤیا و از ملکوت، خلیفه و فرستادگانش را معرفی می‌کند.

اما طبعاً علمای یهود، که با شکمهای آماس کرده جز خوابهای آشفته نمی‌دیدند و با رؤیای صادقه و ملکوت هیچگونه ارتباطی نداشتند، رؤیا های صادقه حواریون را خوابهای آشفته پنداشته و فریاد بر می‌داشتند که ای احمقان رؤیا که حجت نیست! خوابهای آشفته که حجت نیست! حجت علما هستند! و اول آنها باید

مسیح بودن او را تأیید کنند! کدام یک از علمای بزرگ او را تأیید کرده اند؟ شما خودسرانه و بی توجه به نظر علما و بزرگان به او ایمان آورده اید و گمراه شده اید!

اینچنین بود که، در حالی که علمای جلیل القدر و عظیم الشأن یهود در پیچ و خم علائم من درآوردی خویش گیج و منگ شده بودند و در کبر و نخوت و خودپرستی گیر کرده بودند و در دفاع از منافع و مقام و منصب خود، دشمن مسیح (از نظر خودشان کذاب!) شده بودند! مردم ساده و به ظاهر گمراه، بی اعتنا به نظر بزرگان و علمای یهود به او ایمان می آوردند!

این بود قسمتی از تحریف علائم ظهور حضرت مسیح(ع) توسط علمای یهود.

دلائل آنها عمدتاً عدم انطباق ظهور حضرت عیسی با این علائم ساختگی بود، از قبیل ظهور پرشکوه و با عظمت! پادشاه یهود شدن! و نجات آنها از دست روم! که همگی ساختگی و دست پخت خود آنها بوده و هیچکدام در کتب مقدس نیامده بود!

آری بزرگان، با دلائل محکم (به نظر خودشان)، کذاب بودن او را ثابت کرده بودند و کسر شأن خود می دانستند که، مثل این اراذل و اشرار! به او ایمان بیاورند! و با سفهاء همراه شوند!

...فریسیان (علمای دنیاپرست یهود) در پاسخ گفتند: «آیا او شما را هم گمراه کرده است؟... این آدمهایی که از شریعت بی خبرند، ملعون هستند!» (انجیل یوحنا باب ۷)

بدین شکل با ملعون خواندن فرستاده خدا و ایمان آوردندگان به او، خود ملعون ابدی شدند و در جهنم سوزان مأوا گزیدند.

و چه زیبا خداوند همه این ماجرا را بطور خلاصه در یک آیه قرآن بیان فرموده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لَلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ
الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَّا نَ طَائِفَةٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ
فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ ﴿١٤﴾ سورة الصف.

ای کسانی که ایمان آوردید! انصار خدا باشید! همان گونه که عیسی بن مریم به حواریون گفت: «چه کسانی در راه خدا انصار من هستند؟» حواریون گفتند: «ما انصار خدائیم» پس عده ای از بنی اسرائیل ایمان آوردند! و عده ای دیگر (با انکار او) کافر شدند! اما ما، کسانی را که ایمان آورده بودند، تأیید و کمک کردیم! و اینچنین ایمان آوردندگان بر دشمنانشان پیروز شدند!

و اینچنین علمای سوء یهود با تحریف علائم و مشخصات ظهور موعود، مردم را گمراه کرده و آنها را به دنبال خود کشانده و با انکار فرستاده حق، همه پیروانشان را همراه خود جهنمی و اهل آتش کردند!

و طبعاً پیروان آنان، روز قیامت هنگام ورود به جهنم خواهند گفت:

وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا (۶۷) رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَهُمُ لَعْنًا كَبِيرًا (۶۸) سوره احزاب

و می گویند: «پروردگارا، ما از سادات و بزرگان خویش اطاعت کردیم پس آنها ما را گمراه و از راه حق دور کردند». (۶۷) «پروردگارا، آنان را دو چندان عذاب ده و لعنتشان کن لعنتی بزرگ». (۶۸)

و حضرت رسول(ص) فرمود:

-والذی نفسی بیده لترکبن سنن من کان قبلکم حدوالنعل بالنعل و القذۀ بالقذۀ حتی لا تخطئون طریقهم... تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۳۰۳

قسم به او که جانم بدست اوست! تمام اعمال گذشتگان را مرتکب شده تکرار خواهید کرد و موبمو و قدم بقدم، راه آنها را خواهید رفت!

پس هشدار ای منتظران مهدی موعود این قصه طبق قسم رسول خدا (ص) در حال تکرار شدن است! آیا عاقلی هست که بخواهد خود را در این اوضاع حساس، از آتش جهنم نجات دهد؟

مقاله شماره (۷) تحریف علائم ظهور قائم آل محمد(ص)

بسم الله الرحمن الرحيم

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ، قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ..... [سوره الاعراف : ۱۶۲]

و آنانی که (به خود و به حقیقت) ستم کردند مطلبی را که به آنها گفته شده بود عوض کردند و گفتار دیگری غیر از آنچه به آنها گفته شده بود به جای آن گذاشتند...

در دو مقاله گذشته با تحریف و تغییر علائم ظهور موعودها در زمانهای گذشته، تا حدودی آشنا شدیم، و دیدیم که چگونه عالمان "دین به دنیا فروش" یهود با تحریف علائم، در مقابل موعود منتظر ایستاده، و با او به مبارزه برخاسته، و در بدو امر، مانع پیوستن مردم به آنها شدند.

و نیز دیدیم که پیامبر اکرم(ص)، چگونه بارها، و با قسم تأکید فرمودند که همه اعمال آنها، از جمله در حین ظهور موعود آخرالزمان، در این امت، تکرار خواهد شد

حال در این مقاله سعی می کنیم تا تعدادی از تحریفات و تغییراتی که تاکنون، در علائم ظهور موعود آخرالزمان، قائم آل محمد(ص) صورت گرفته، با استناد به احادیث و روایات، مورد بحث و بررسی قرار دهیم، و با روشن شدن شدت شباهت تحریفات امروز با تحریفات دیروز، صدق فرمایش رسول اکرم(ص)، در مورد تکرار موبه موی اعمال آنها، روشنتر شود.

۱- تحریف نحوه و کیفیت ظهور

اولین موضوعی که مورد تغییر و تحریف قرار گرفته و سپس بین مردم پخش شده و از طرف آنها، به عنوان امری بدیهی پذیرفته شده است، بنحوی که به هیچوجه خلاف آنرا قبول نمی کنند، نحوه و کیفیت ظهور قائم ع می باشد، بر مبنای این عقیده، ظهور حضرت، ظهور پر جلال و جبروت و پر عظمتی خواهد بود که بقولی مثل توپ صدا کرده و همه مردم خواهند فهمید که ظهور شد!

این تصویری است که امروزه همه شیعیان از خاص و عام در باره ظهور امام زمان(عج) دارند، یعنی دقیقاً همان تصور غلطی که یهود از ظهور حضرت مسیح داشتند، و بر مبنای این تصور غلط، منتظران حضرت مسیح، او را انکار کرده و با او جنگیدند! و امروز بعضی از منتظران ظهور، رودر روی فرستاده حضرت قرار گرفته و با او میجنگند!

حال سؤال اینجاست که آیا چنین ظهور پرطمطراقی در روایات، برای قائم آل محمدص، مطرح شده است؟

جواب این است که نه! دقیقاً بر عکس، صریحاً گفته شده که ظهور او مثل ظهور رسول الله(ص) غریبانه خواهد بود و اکثریت او را نشناخته و او را تکذیب کرده و با او خواهند جنگید!

فقط کافی است نیم نگاهی به کتاب غیبت نعمانی انداخته و احادیث مربوط به نحوه ظهور را مرور کنیم.

ذیلاً چند حدیث را از این کتاب می آوریم:

عن أبي عبد الله (عليه السلام): ... خروجه كخروج رسول الله (صلى الله عليه وآله).. غيبت نعمانی ص ۲۵۱

سمعت أبا جعفر (عليه السلام) يقول: إن صاحب هذا الأمر لو قد ظهر لقي من الناس ما لقي رسول

الله (صلى الله عليه وآله) وأكثر . غيبت نعمانی ص ۲۵۱

در این دو روایت امام صادق و امام باقر علیهما السلام تأکید میفرمایند که خروج قائم ع مثل خروج رسول الله ص خواهد بود و با تکذیب و انکاری روبرو خواهد شد که رسول خدا(ص) روبرو شد، و بلکه شدیدتر!

آیا رسول خدا ص با شکوه و عظمت ظاهری مبعوث شدند؟ یا دوسال تمام حتی بعثتشان را جز از همسر و پسر عموی علی ع مخفی کردند؟

وقتی بعد از دوسال، حضر از طرف خداوند مأمور به اظهار رسالت خود و تبلیغ آن شدند، غذای ساده ای تهیه فرمودند و اقوام و عشیره خود را دعوت کرده و رسالت خود را به آنها اظهار کردند، اما با ریشخند و استهزاء و تمسخر آنها روبرو شدند! و سیزده سال غریبانه دعوت کردند و تکذیب شدند و سنگباران شدند!

این بود نحوه خروج رسول خدا(ص)! و امام باقر و امام صادق ع تأکید می فرمایند که خروج قائم ع هم مثل خروج جدش رسول الله خواهد بود و بدتر و سختتر! پس کجاست آن ظهور پر شکوه و عظمتی که جاهلان بر دهن مردم انداخته اند و خود نیز بر آن اصرار دارند؟

-عن أبي عبد الله (عليه السلام) ، قال " :سمعتہ يقول: إن القائم (عليه السلام) يلقي في حربه ما لم

يلق رسول الله (صلى الله عليه وآله) ، لأن رسول الله (صلى الله عليه وآله) أتاهم وهم يعبدون الحجاره

المنقورة والخشب المنحوتة، وإن القائم يخرجون عليه فيتأولون عليه كتاب الله ويقاتلون عليه . غيبت

نعمانی ص ۳۰۸

-إذا ظهرت راية الحق لعنها أهل المشرق وأهل المغرب، غيبت نعمانی ص ۳۰۸

در این دو حدیث نیز می فرمایند که اهل دین و قرآن خوانها می روند ب جنگ قائم ع و تا آنجا پیش می روند که او را لعن می کنند (همانطور که حضرت علی ع را زمان معاویه، نماز خوانها و قرآن خوانها بر بالای منبرها لعن میکردند)

پس کجاست آن شکوه عظمت کذائی که این نادانها ادعا می کنند؟

و حتی در غیبت نعمانی یک باب از کتاب (باب ۲۲) را اختصاص داده به غربت و تنهائی و غریبی قائم ع حین ظهور و خروجش!، به دو روایت از این باب از امام باقر ع و امام صادق ع توجه فرمائید:

عن أبي جعفر (عليه السلام): إن قائمنا إذا قام دعا الناس إلى أمر جديد كما دعا إليه رسول الله (صلى الله عليه وآله)، وإن الإسلام بدأ غريبا وسيعود غريبا كما بدأ، فطوبى للغرباء

آنگاه که قائم ما برخیزد مثل رسول خدا(ص) مردم را به امر جدیدی (نسبت به دین موجود جامعه) فرا می خواند، و همانطور که اسلام در زمان رسول خدا غریبانه شروع شد، زمان قائم ع نیز با غریبی و غربت شروع میشود پس خوشا به حال آن افراد (استثنائی که بر خلاف اکثریت جامعه که او را طرد و تکذیب می کنند) تنها و غریبانه او را تصدیق و تأیید می کنند!

قلت لأبي عبد الله (عليه السلام): أخبرني عن قول أمير المؤمنين (عليه السلام): إن الإسلام بدأ غريبا، وسيعود كما بدأ، فطوبى للغرباء؟ فقال: يا أبا محمد، إذا قام القائم (عليه السلام) استأنف دعاء جدیدا كما دعا رسول الله (صلى الله عليه وآله).

چرا قائم و انصارش غریب می شوند؟ چون مثل رسول خداص (دین مستقر و موجود جامعه را زیر علامت سوال برده و رد می کنند و مردم را) به امر جدیدی دعوت میکنند!

بله در قرآن نیز خداوند متعال در دهها آیه تأکید فرموده اند که اکثریت تعقل ندارند و همیشه اهل حق اقلیتی قلیل بوده اند! اکثرهم لا یفقهون! اکثرهم لا یعقلون!

و قلیل من عبادی الشکور! و قلیلا ما یؤمنون! ثم تولیتهم الا قلیلا منکم! فلا یؤمنون الا قلیلا!

بله اینچنین به خود و به حق و حقیقت و به مردم ستم کرده و کلام حق را تحریف کرده و تغییر دادند و کلامی غیر از آنچه خدا و پیامبر و ائمه ع به آنها فرموده بودند، به مردم گفتند و یاد دادند! و اینچنین مانع شناخت حقیقت و پیوستن مردم به قائم ع شدند!

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ، قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ..... [سوره الأعراف : ۱۶۲]

و آنانی که ستم کردند، مطلبی را که به آنها گفته شده بود عوض کردند و گفتار دیگری به جای آن گذاشتند...

اما چرا و چگونه و به چه دلیل حقائق را اینچنین تغییر داده و وارونه کرده و به مردم یاد دادند؟ در مقالات آینده به آن خواهیم پرداخت

ادامه دارد...

سایت رسمی دعوت مبارک یمانی سید احمدالحسن(ع):

<http://almahdyoon.org>